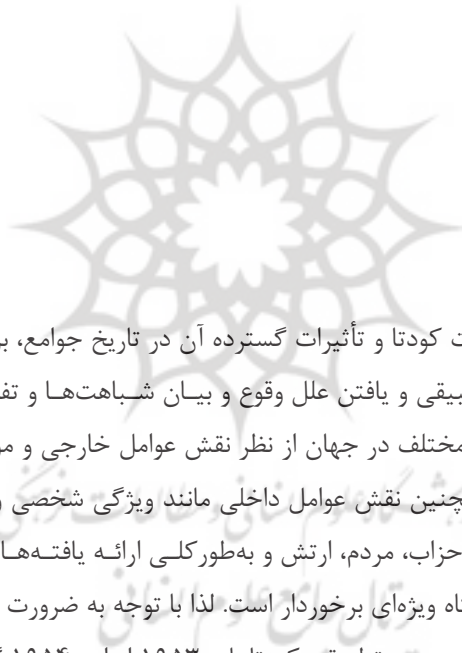


بررسی تطبیقی کودتاهای ۱۹۵۳ ایران، ۱۹۵۴ گواتمالا و ۱۹۷۳ شیلی

دکتر حسین مسعودنیا*

اعظم خانی**



چکیده

با توجه به اهمیت کودتا و تأثیرات گسترده آن در تاریخ جوامع، بررسی آن به‌ویژه از بعد تطبیقی و یافتن علل وقوع و بیان شباهت‌ها و تفاوت‌های میان کودتاهای مختلف در جهان از نظر نقش عوامل خارجی و موضع‌گیری ابرقدرت‌ها و همچنین نقش عوامل داخلی مانند ویژگی شخصی و اقدامات رهبران موجود، احزاب، مردم، ارتش و به‌طور کلی ارائه یافته‌هایی تقریباً مشترک، از جایگاه ویژه‌ای برخوردار است. لذا با توجه به ضرورت فوق این پژوهش در صدد بررسی تطبیقی کودتاهای ۱۹۵۳ ایران، ۱۹۵۴ گواتمالا و ۱۹۷۳ شیلی از دو بعد خارجی و داخلی است. در این زمینه علاوه بر

* عضو هیئت علمی دانشگاه اصفهان (hmass2005@yahoo.com)

** دانشجوی کارشناسی ارشد علوم سیاسی دانشگاه اصفهان (a_khany2006@yahoo.com)

تاریخ پذیرش: ۱۳۹۰/۱۲/۸

تاریخ دریافت: ۱۳۹۰/۵/۲۲

پژوهشنامه علوم سیاسی، سال هفتم، شماره چهارم، پاییز ۱۳۹۱، صص ۲۷۴-۲۱۷.

بررسی نقش عوامل خارجی در سقوط دولت‌های مصدق، آربنز و آلمنده، در بعد داخلی نیز در چهارچوب نظریه آلموند و پاول پیرامون «توانایی‌های سیستم سیاسی» به بررسی عوامل مؤثر بر کودتاهای مذکور پرداخته می‌شود. به نظر می‌رسد کاهش توانایی‌های سیستم سیاسی، تسهیل‌کننده نقش نهایی عوامل خارجی در ایجاد کودتاهای مذکور است. این پژوهش با اتکا به ابزار کتابخانه‌ای و بر اساس روش توصیفی - تحلیلی و رویکرد تاریخی - تطبیقی امکان‌پذیر است.

واژگان کلیدی: کودتا، ایران، گواتمالا، شیلی، آلموند، کارکردهای سیستم سیاسی، عوامل خارجی.



پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی
پرتال جامع علوم انسانی

مقدمه

پس از پایان جنگ جهانی اول تا آغاز جنگ جهانی دوم (۱۹۱۸-۱۹۳۹) جهان شاهد رقابت سه اردوگاه اصلی کمونیسم، فاشیسم و سرمایه‌داری (لیبرالیسم) با یکدیگر بود. سیاست‌های تحریک‌آمیز هیتلر و آغاز جنگ جهانی دوم توسط آلمان سبب تحولی بزرگ در صحنه روابط بین‌الملل شد و آن نزدیکی دو اردوگاه سرمایه‌داری و کمونیسم به یکدیگر برای مقابله با فاشیسم بود. اما هنوز جنگ جهانی دوم به پایان نرسیده بود که اختلاف نظر در اردوگاه متفقین در مورد دنیای پس از جنگ، مقدمات تکوین جهان دوقطبی را پس از پایان جنگ جهانی دوم فراهم کرد.

نظام دوقطبی در مدت زمانی نزدیک به نیم قرن (۱۹۴۵-۱۹۹۲) بر جهان بین‌الملل حکمفرما بود. در خلال این مدت تحت تأثیر پیامدهای ناشی از جنگ، زمینه برای برخی حرکت‌های ملی‌گرایانه در کشورهای جهان سوم فراهم شد که نوک پیکان آن علیه استعمار خارجی به‌ویژه شرکت‌های خارجی در کشورهاشان بود. اقدام دکتر مصدق در ملی‌کردن صنعت نفت در ایران، آرینز در گواتمالا از طریق مصادره مزارع شرکت متحده میوه^۱ و آئنده در شیلی از طریق ملی‌کردن معادن مس و شرکت‌های خارجی از جمله ای.تی.تی^۲ همگی جنبش‌های استقلال‌طلبانه با ماهیت ضد استعماری بودند.

تأمل در تاریخ سیاسی هر سه کشور بیانگر این مهم است که هر سه جنبش از طریق کودتاهای نظامی که توسط غرب به‌ویژه امریکا طراحی شده بود، سرنگون شدند. از دیگر نکات مشترک در مورد هر سه جنبش، توجیه انجام کودتا در غرب

1. United Fruit Company (UFCO)
2. International Telephone and Telegraph (I.T.T)

برای سرنگونی سه دولت به بهانه پیشگیری از استقرار کمونیسم بوده است. به رغم نقش دولت‌های خارجی در سرنگونی دولت‌های مصدق، آربنز و آئنده این امر نباید سبب نادیده گرفتن این مهم شود که ناکارآمدی این سیستم‌ها در برخی حوزه‌ها تسهیل‌کننده شرایط برای انجام کودتا توسط نیروهای خارجی بوده است. با توجه به چنین پیشینه‌ای محور اصلی پژوهش حاضر را پاسخ به سئوالات ذیل تشکیل می‌دهد:

■ شرایط اجتماعی و سیاسی در سه کشور ایران، گواتمالا و شیلی پیش از به قدرت رسیدن دولت‌های مصدق، آربنز و آئنده چگونه بود؟

■ سه دولت مصدق، آربنز و آئنده چه اهدافی را تعقیب می‌کردند و نقاط اشتراک و افتراق جنبش‌های ضداستعماری این سه رهبر چه بود؟

■ نقاط مثبت و منفی دولت‌های مصدق، آربنز و آئنده بر اساس نظریه کارکردهای سیستم سیاسی آلموند و پاول چه بود؟

■ انگیزه غرب به ویژه آمریکا از انجام کودتا علیه این سه دولت چه بود و در این راستا چه اقداماتی را در دستورکار خود قرار داد؟

■ چگونه ضعف کارکردی این سه دولت در برخی حوزه‌ها زمینه را برای کودتا فراهم کرد؟

هدف از نگارش مقاله حاضر پاسخ به پرسش‌های مطرح شده با اتکا به ابزار کتابخانه‌ای و بر اساس روش توصیفی - تحلیلی و رویکرد تاریخی - تطبیقی است. برای تبیین نقش عوامل داخلی در تسهیل شرایط انجام کودتا توسط نیروهای خارجی، از نظریه «توانایی‌های سیستم سیاسی» آلموند و پاول استفاده شده است.

چهارچوب نظری

اصولاً یکی از غیر دموکراتیک‌ترین و مستقیم‌ترین سطح مداخله نظامیان در سیاست، کودتاست. کودتا اصطلاحی فرانسوی و ترکیبی از دو واژه «coup» به معنی ضربه و «detat» به معنای دولت است. کودتا تغییر در حکومت به وسیله اعمال زور است.^(۱) بدون به خدمت گرفتن سازمان ارتش نمی‌توان به کودتا دست زد.^(۲) یکی از مهم‌ترین تفاوت‌های کودتا با انقلاب این است که کودتا برخلاف انقلاب از بالا و

بدون بسیج نیروهای اجتماعی صورت می‌گیرد. علاوه بر این کودتاها معمولاً به صورت پنهانی و سریع و اصولاً در پایتخت کشورها صورت می‌گیرند.

دو دسته از عوامل خارجی و داخلی در وقوع کودتا نقش دارند. در بعد خارجی، *ایستوان کنده*^۱ در کتاب *بیست و پنج سال جنگ داخلی* ۶۷ جنگ درون رژیم را در فاصله ۱۹۷۳-۱۹۴۵ برمی‌شمارد و در ۵۲ مورد (۷۷ درصد) از آنها مداخله یک یا چند قدرت خارجی را نام می‌برد. *برتیل دانر*^۲ در کتاب *مداخله نظامی در جنگ‌های داخلی* دوازده جنگ داخلی در دهه ۱۹۷۰ را برمی‌شمارد که اعمال مداخله‌جویانه ۵۰ کشور مختلف از حمایت مالی، آموزش نظامی شورشیان و نیروهای دولتی تا تهاجم کامل را در آنها ذکر می‌کند.^(۳)

در مورد نقش عوامل داخلی در وقوع کودتا نیز به عوامل مختلفی اشاره شده است. به اعتقاد سی. ایچ. داد و همکارانش^۳، یکی از راه‌هایی که به دخالت نظامی می‌انجامد هنگامی است که اختلال و آشفتگی در جامعه به حد تحمل‌ناپذیر برسد.^(۴) از نظر *توماس اچ. گرین*، زمانی امکان کودتا افزایش می‌یابد که سیاست‌مداران غیرنظامی با داشتن اقتصادی که بر صادرات تک‌محصولی بنیان یافته، نتوانند انتظارات مردمی را که پس از پیروزی استقلال از قدرت استعماری به وجود آمده سیراب کنند.^(۵) از نظر *بال و پیترز* نیز سطح پایین رشد اقتصادی ممکن است سبب شود نیروهای تندرو کشور با هدف ایجاد یک ساختار اجتماعی برابری‌خواه، ارتش را به مداخله بکشانند.^(۶) بر اساس فرضیه *موریس جانویتز*^۴ مداخله نظامیان در سیاست در اثر نابسامانی سیاسی و دودستگی در سطح رهبران صورت می‌گیرد و خود نیز موجب بی‌ثباتی سیاسی می‌شود.^(۷) از نظر *ازغندی* نیز یکی از شرایط مهمی که به انگیزه نظامیان به دخالت در سیاست کمک می‌کند هنگامی است که سیاست‌مداران جامعه به بن‌بست رسیده، نظام مشروعیت خود را از دست داده و جامعه دچار بحران و گاه هرج و مرج بسیاری شده باشد.^(۸)

تحلیل کودتا در کشورهای جهان به‌ویژه جهان سوم بیانگر این مهم است که

1. Istvan Kende

2. Bertil Daner

3. ؟؟؟؟

4. Morris Janwits

در انجام کودتا عناصر ناراضی سیاسی و نظامی به خدمت یکدیگر درمی‌آیند و معمولاً با حمایت عناصر خارجی اقدام به کودتا می‌کنند. پیروزی کودتاچیان تا اندازه زیادی وابسته به میزان کارآمدی یک سیستم سیاسی است. به عبارت دقیق‌تر کودتاچیان معمولاً در کشورهایی موفق به سرنگونی دولت‌های وقت و تشکیل دولت می‌شوند که دولت‌های حاکم در این جوامع در برخی حوزه‌ها کارکرد ضعیفی داشته و سبب بروز نارضایتی‌هایی در میان نخبگان و توده‌های مردم شده باشند. این نکته قابل کتمان نیست که بیشتر دولت‌ها به دلیل تلاش برای انجام برخی اقدامات خارج از چهارچوب نظم بین‌المللی با فشارهایی از سوی قدرت‌های حاکم بر روابط بین‌المللی مواجه شده و همین موضوع میزان کارآمدی سیستم سیاسی آنها را کاهش و زمینه‌ساز کودتا شده است.

نظریات گابریل *۱. آلموند و پاول*^۱ در کتاب *سیاست تطبیقی* در مورد کارایی‌ها و توانایی‌های سیستم سیاسی می‌تواند چهارچوب نظری مناسبی برای سنجش توانایی‌های نظام سیاسی و در اینجا سه دولت مصدق، آربنز و آئنده باشد. آلموند و پاول کارایی‌ها و توانایی‌های نظام سیاسی را عبارت از استخراجی، تنظیمی، توزیعی، نمادین و پاسخگویی دانسته‌اند. توانایی استخراجی امکان کشف منابع مادی و انسانی لازم برای تحقق اهداف مورد نظر نظام را فراهم می‌آورد.^(۹) از جمله توانایی‌های استخراجی نظام می‌توان به انجام خدمت نظام و دریافت مالیات اشاره کرد. عملکرد توزیعی نظام سیاسی همان تقسیم پول، کالا، خدمات، افتخارات و فرصت‌ها توسط سازمان‌های دولتی در میان افراد و گروه‌های موجود در جامعه است.^(۱۰) مالیات بر درآمدها و یارانه به اعضای کم‌درآمد از راه‌های توزیع مناسب ثروت است.^(۱۱) همچنین می‌توان به اصلاحات ارضی و تقسیم زمین میان دهقانان اشاره کرد. توانایی تنظیمی عبارت است از توان نظارت و هماهنگی رفتار افراد و گروه‌ها از هر طریق ممکن از جمله راه‌های اداری و وضع قوانین.^(۱۲) توانایی تنظیمی نظام ایجاب می‌کند با هرگونه شورش، تجزیه‌طلبی و تظاهرات در سطح جامعه برخورد شود. همچنین در این راستا رهبران اغلب اقدام به عوض کردن وزرا، فرماندهان نیروهای مسلح و مقامات بالای اداری می‌کنند تا اجازه ندهند مراکز

تهدیدکننده قدرت، متحد شوند.^(۱۳) روند ملی کردن منابع طبیعی را نیز می‌توان در این راستا قلمداد کرد.

هدف از توانایی نمادین، تقویت دیگر جنبه‌های عملکرد نظام است. توسل رهبران به ارزش‌ها و ایدئولوژی‌هایی مانند برابری، آزادی، همبستگی، دموکراسی، کمونیسم، لیبرالیسم، سنت دینی یا وعده دادن موفقیت‌ها و پاداش‌های آینده در این راستاست.^(۱۴) توانایی پاسخگویی نیز توان نظام را در برابر تحریکات پیرامون و تقاضای برآمده از سوی افراد و گروه‌ها به نمایش می‌گذارد.^(۱۵)

با توجه به مطالب گفته‌شده، برای دستیابی به اهداف تحقیق ابتدا ساختار اجتماعی و سیاسی ایران، گواتمالا و شیلی پیش از به قدرت رسیدن دولت‌های مصدق، آرینز و آلنده توصیف می‌شود. سپس بر اساس نظریه کارکردگرایی آلموند و پاول نقاط قوت و ضعف کارکردی هر سه دولت تبیین و در نهایت به نقش عوامل خارجی در انجام کودتا علیه سه دولت پرداخته می‌شود.

۱. ساختار سیاسی - اجتماعی پیش از دوران ملی‌گرایان

جدول شماره ۱. مقایسه ساختار سیاسی - اجتماعی

کشور / شاخص	ایران	گواتمالا	شیلی
ساختار سیاسی	- حکومت‌های استبدادی و وابسته - نفوذ شرکت نفت ایران و انگلیس و رقابت سایر قدرت‌ها	- حکومت‌های دیکتاتوری و وابسته - نفوذ شرکت متحده میوه ایالات متحده	- حکومت‌های دیکتاتوری و وابسته - نفوذ شرکت‌های خارجی مانند شرکت‌های مس کنکات، آناکوندا و ای.تی.تی
ساختار اجتماعی	- وضعیت نامناسب کارگران شرکت نفت ایران و انگلیس - وضعیت نامناسب طبقات اجتماعی مانند کارگران کارخانه‌ها و دهقانان	- وضعیت نامناسب کارگران در مزارع شرکت متحده میوه - وضعیت نامناسب دهقانان و کارگران	- وضعیت نامناسب کارگران معادن مس متعلق به شرکت‌های خارجی - وضعیت نامناسب کارگران و دهقانان

ضمن در نظر گرفتن ویژگی‌های متعددی همچون تمرکز قدرت اقتصادی و سیاسی در دست دولت، ضعف و پراکندگی نیروهای اجتماعی در مقابل دولت، شخصی بودن قدرت، عدم تعهد به اجرای قانون، خویشاوندسالاری و اتکا بر ارتش و بوروکراسی که در نظریه‌های استبداد شرقی، پاتریمونیا، نظام‌های سلطانی، دولت مطلقه و دولت رانتیر پیرامون ساخت سیاسی قاجاریه و پهلوی مطرح شده است.^(۱۶) این پژوهش بر ویژگی وابسته بودن دولت‌های مورد بحث به قدرت‌های خارجی متمرکز است. در این راستا مهم‌ترین عامل تأثیرگذار بر تحولات ایران در طول قرن نوزده و سال‌های آغازین قرن بیستم میلادی، ورود ایران به دایره سیاست بین‌الملل و رقابت قدرت‌های بزرگ در صحنه سیاسی ایران بوده است. رقابت اصلی میان دولت‌های روسیه و بریتانیا بود که البته در برخی مقاطع حضور قدرت‌های دیگر نظیر فرانسه، آلمان و امریکا نیز به عنوان نیروی سوم بر این رقابت می‌افزود.

اوج رقابت روسیه و انگلستان به‌ویژه در حوزه اقتصادی در زمان سلطنت ناصرالدین شاه قاجار بود که در واگذاری امتیازاتی همچون رویتر، شیلات، امتیاز تأسیس بانک شاهی و بانک استقراضی روس تجلی یافت.^(۱۷) مهم‌ترین امتیازی که در زمان مظفرالدین شاه واگذار شد، امتیاز نفت داری بود. در نهایت دولت انگلستان با تصاحب ۵۱ درصد سهام شرکت بزرگ‌ترین سهامدار آن و دارای حق کامل نظارت بر شرکت شد و نفت به صورت مصلحت و منفعت مستقیم و استراتژیکی بریتانیا درآمد که ناگزیر ضرورت مداخله‌های بیشتر انگلیس در ایران را فراهم آورد.^(۱۸) از مهم‌ترین نمونه‌های این امر می‌توان به قرارداد اوت ۱۹۱۹ در جهت تحت‌الحمایگی قرار دادن ایران، کودتای سوم اسفند ۱۲۹۹، اشغال نظامی ایران در سال ۱۹۴۱، وادار کردن رضاشاه به کناره‌گیری در سپتامبر ۱۹۴۱^(۱۹) و نفوذ بر قبایل و جریان‌های سیاسی داخلی در مجلس و کابینه اشاره کرد.

با اشغال ایران در شهریور ۱۳۲۰ و خروج رضاشاه از صحنه سیاسی ایران و به سلطنت رسیدن محمدرضا شاه، دوران جدیدی در فضای سیاسی ایران فرا رسید که مشخصه اصلی آن ظهور نیروهای سرکوب‌شده سیاسی در دوران رضاشاه و رقابت آنها در عرصه سیاست بود. اوج این رقابت‌ها در مجلس چهاردهم نمایان شد. در

این سال‌ها نفت علاوه بر موضوع اقتصادی، اهمیتی سیاسی یافت و به یکی از موضوعات مورد مناقشه گروه‌های سیاسی تبدیل شد. در این راستا حزب توده خواستار برقراری «موازنه مثبت» بود. بدین معنا که چون امتیاز نفت جنوب ایران در دست انگلیسی‌هاست، پس امتیاز نفت شمال ایران باید به شوروی‌ها داده شود.^(۳۰) اما گروهی دیگر مانند احمد قوام حمایت از قدرت ثالث یعنی آمریکا را بر اساس نظریه نیروی سوم مد نظر داشتند.

تلاش برای اعطای امتیاز نفت به دولت‌های خارجی با تصویب قانون منع مذاکرات در آذر ۱۳۲۳ توسط دکتر مصدق در مجلس چهاردهم ناکام ماند و لذا اعتراض اتحاد جماهیر شوروی را برانگیخت که در ظاهر با انعقاد موافقتنامه قوام - سادچیکف در فروردین ماه ۱۳۲۵ در جهت تشکیل شرکت مختلط نفت ایران و شوروی پایان یافت. اما مدتی بعد بر اساس بند (ه) قانون مصوب مهرماه سال ۱۳۲۶ (سپتامبر ۱۹۴۷) موافقت‌نامه مذکور رد و دولت ایران موظف شد اقدامات لازم را برای استیفای حقوق ایران از شرکت نفت جنوب به انجام برساند که به قرارداد الحاقی گس - گلشایان در تیر ماه ۱۳۲۸ (ژوئیه ۱۹۴۹) انجامید. در نهایت با لغو این قرارداد در کمیسیون مخصوص نفت به ریاست دکتر مصدق در آذر ماه ۱۳۲۹ شاهد تصویب قانون ملی شدن صنعت نفت در ۲۴ و ۲۹ اسفند ۱۳۲۹ به ترتیب در مجلس شورای ملی و سنا هستیم؛^(۳۱) قانونی که اجرای آن از منظر بسیاری از نخبگان فقط با نخست‌وزیری مصدق امکان‌پذیر بود.

در مورد ساختار اجتماعی نیز اصولاً دهقانان، کارگران، بازاریان، علما و روشنفکران بیش از زمین‌داران، کارفرمایان، سرمایه‌داران و تجار بزرگ با سیاست‌های سرکوب‌آمیز و تهدیدمحور حکومت‌های قاجار و پهلوی در طول دوره‌های زمانی مختلف روبه‌رو بوده‌اند. به عنوان نمونه هرچند در دوران رضاشاه قدرت سیاسی طبقات زمین‌دار کاهش یافت اما ثروت و مکتشان دست‌نخورده باقی ماند، چون نه اصلاحات ارضی صورت گرفت و نه در مالیات‌های ارضی افزایشی حاصل شد؛^(۳۲) روندی که تا زمان اصلاحات ارضی در دهه ۴۰ ادامه یافت. در این ساختار اجتماعی (ارباب - رعیتی)، ارباب با برخورداری از قدرت اقتصادی و سیاسی (کابینه و مجلس) هرگونه حرکت اعتراض‌آمیز رعایا را در نطفه خفه می‌کرد

و به کمک دستگاه حکومتی اقتدارگرا و ضوابط نظام نسق‌داری، آنان را در وضعیت وابستگی و اطاعت کامل نگه می‌داشت و مانع از هرگونه دخالت آنان حتی در سرنوشت خویش می‌شد.^(۲۳) اساساً در این دوران، اکثریت دهقانان یا فاقد زمین هستند و طی نظام نسق‌داری مشغول به فعالیت هستند یا حتی بدتر از آن از هیچ حق نسقی نیز برخوردار نیستند؛ روندی که می‌بایست با گذشت زمان تغییری در وضعیت آن حاصل شود و دولت مصدق نیز از آن مبری نبود.

کارگران نیز از وضعیت نامناسبی برخوردار بودند. این وضعیت هم کارگران شرکت نفت ایران و انگلیس و شیلات را دربرمی‌گرفت و هم کارگران کارخانه‌ها را. حدود هفت تا هشت هزار کارگر در شرکت نفت انگلیس و ایران و چهار تا پنج هزار کارگر در شیلات خزر مشغول به کار بودند. روس‌ها بین کارگران ایرانی و خارجی شیلات تفاوت قائل می‌شدند. بدین معنی که به کارگر ایرانی روزانه دو قران و به کارگر روسی پنج قران پرداخت می‌کردند.^(۲۴) در صنایع نفت جنوب نیز وضعیت کارگران نامناسب بود؛ عاملی که اعتصابات گسترده کارگران شرکت نفت را به همراه داشت. در این اعتصاب‌ها مانند اعتصاب‌های سال‌های ۱۳۰۱ و ۱۳۰۸ علاوه بر درخواست برای افزایش دستمزدها و به رسمیت شناختن اتحادیه‌های کارگری، مشارکت نمایندگان کارگران در تصمیمات مربوط به استخدام و اخراج کارگران و داشتن نماینده در هیئت مدیره شرکت طلب می‌شد که ظاهراً با حمله تفنگداران دریایی انگلیس پایان یافت.^(۲۵) اما این وضعیت چندان طولانی نبود و بعدها با روی کار آمدن دولت ملی مصدق و اخراج کارکنان انگلیسی ضربه محکمی بر منافع شرکت وارد شد؛ هرچند این وضعیت نیز با کودتای ۲۸ مرداد پایانی دوباره یافت.

وضعیت سایر کارگران نیز نامناسب بود و این امر با تأسیس کارخانه‌های جدید در دوران رضاشاه شدت یافت. تا سال ۱۹۴۱ (۱۳۲۰) بیش از ۳۴۶ کارخانه جدید صنعتی در کشور احداث شد، ولی در اینجا نیز طبقه کارگر گذشته از جدید بودن، به شدت استثمار می‌شد. ساعت کار طولانی، دستمزدهای اندک، و بستن مالیات‌های سنگین بر مصرف‌کنندگان طوری بود که یک ناظر بریتانیایی وضع را «مشابه بردگی» توصیف کرده بود.^(۲۶) پس از سقوط رضاشاه و فرا رسیدن فضای باز

سیاسی، حزب توده رسالت بهبود وضعیت کارگران را در دستورکار خود قرار داد، ولی وابسته بودن این حزب به شوروی نتوانست مورد قبول قرار گیرد و لذا عملکرد آن با چالش مواجه شد.

طبقه متوسط سنتی یعنی بازار و روحانیون نیز از سیاست‌های رضاشاه ناراضی بودند. وی به شیوه‌های مختلف فعالیت بازاریان و رؤسای اصناف را زیر نظر داشت و هرگز امکان فعالیت سیاسی را به آنان نمی‌داد.^(۳۷) علاوه بر این، اصلاحات غیردینی به‌ویژه ایجاد تغییرات اساسی در نظام قضایی، رایج کردن «کلاه بین‌المللی» و کشف اجباری حجاب، نارضایتی‌های عمیقی در بین علما به وجود آورد.^(۳۸) در نهایت نیز این طبقه به همراه بخشی از روشنفکران که از سیاست‌های رضاشاهی ناراضی بودند به عنوان پایگاه و حامی جبهه ملی و ملی‌شدن صنعت نفت سازمان یافتند.

گواتمالا

یکی از مهم‌ترین ویژگی‌های ساختار سیاسی گواتمالا در این دوران تعدد حکومت‌های وابسته و دیکتاتوری (۱۸۳۸-۱۹۴۴) است. در این مورد می‌توان به حکومت‌های *رافائل کارنا*^۱ (۱۸۳۸-۱۸۵۶)، *رفینو باریوس*^۲، *مانوئل استرادا کابرا*^۳ (۱۸۹۸-۱۹۲۰) و *جورج یوبیکو*^۴ (۱۹۳۱-۱۹۴۴)، اشاره کرد.^(۳۹) در ۱۸۹۸ کابرا یکی از فاسدترین و ظالم‌ترین دیکتاتورها، حکومت را به دست آورد. وی با حمایت ایالات متحده پایه‌های قدرت «شرکت متحده میوه»^۵ را بنا گذاشت.^(۳۰) داستان شرکت متحده میوه در سال ۱۸۷۱ با ساخت راه آهن در کاستاریکا توسط مینور کیت از بروکلین^۶ آغاز می‌شود. ساخت راه آهن، امکان حمل و نقل موز را به ایالات متحده و اروپا فراهم کرد. ده سال بعد کیت به چند شرکت موز یعنی شرکت کپ کاد^۷، شرکت کاپیتان لورنزو بیکر و آندرو پرستون^۸ که در سال ۱۸۸۵ دو

1. Rafael Carena
2. Rafino Barrios
3. Manuel Estrada Caberra
4. Jorge Ubico
5. United Fruit Company
6. Minor Keith from Brooklyn
7. Cape Cod
8. Capatain Lorenzo Baker and Andrew Preston

شرکت فوق با هم شرکت بوستون^۱ را تأسیس کردند، پیوست. در سال ۱۸۹۹ شرکت بوستون میوه و شرکت مینور کیت، با نام جدید «شرکت متحده میوه» با هم ادغام شدند و بزرگ‌ترین شرکت موز در جهان را با مزارعی در کلمبیا، کاستاریکا، کوبا، جامائیکا، نیکاراگوئه و پاناما بنیان نهادند.^(۳۱) این شرکت تقریباً کلیه تولید موز و ۳۰ درصد قهوه گواتمالا را در کنترل خود داشت.^(۳۲)

دیکتاتور بعدی جرج یوبیکو بود. وی امتیازات شرکت متحده میوه را گسترش داد و به او امکان داد که بر کلیه وجوه عملیات تنها شبکه راه آهنی که از گواتمالا می‌گذشت، نظارت کند. بعدها شبکه برق را نیز در اختیار یونایتد فروت گذاشت.^(۳۳) در نهایت با آغاز انقلاب اجتماعی در سال ۱۹۴۴ دوران دیکتاتوری پایان یافت و *خوان خوزه آروالدو*^۲ (۱۹۵۰-۱۹۴۵) در نتیجه انتخاباتی آزاد به قدرت رسید.^(۳۴) در دوران وی قدرت طبقه متوسط افزایش و برای اولین بار دولت گواتمالا اقدامات قابل توجهی در حمایت از نیروی کار شهری انجام داد.^(۳۵) ایجاد اتحادیه‌های کارگران کشاورزی که در تاریخ گواتمالا دیده و شنیده نشده بود، مورد تأکید قرار گرفت.^(۳۶) در زمینه فرهنگ و تعلیم و تربیت نیز گام‌های مهمی برداشته شد، اما مسئله اصلی یعنی مالکیت زمین‌های زراعی همچنان وجود داشت؛^(۳۷) هرچند وی توانست قانون اجاره اجباری زمین را در سال ۱۹۴۹ تصویب کند^(۳۸) اما حیطه عملیاتی این قانون بسیار اندک بود؛ اقدامی که دولت *جاکوئو آربنز*^۳ (۱۹۵۱-۱۹۴۵) باید آن را انجام می‌داد.

وضعیت اجتماعی کارگران و دهقانان چه در دوران استعمار و چه پس از آن بسیار طاقت‌فرسا بود. هنگامی که اسپانیایی‌ها در اوایل قرن شانزدهم بر گواتمالا دست یافتند دسته‌های کثیری از قبایل بومی را قلع و قمع کردند.^(۳۹) این مهم از آن روست که حدود ۶۷ درصد جمعیت، از نژاد سرخپوستان بومی بودند.^(۴۰) اجداد بومیان مایاها بودند. در دوران باشکوه تمدن مایایی زمین‌هایی که در اختیار کشاورزان بود به اجتماع تعلق داشت و مطابق احتیاجات و امکانات جمعی مورد

1. Boston
2. Juan Jose Arvaldo
3. Jacobo Arbenz

بهره‌برداری قرار می‌گرفت؛ اما به دنبال یورش اسپانیایی‌ها، دگرگونی در قوم مایا پدید آمد. در واقع از این دوران به بعد است که زندگی دهقانان و کارگران در وضع ناگواری قرار می‌گیرد. از این به بعد هدف، داشتن زمین‌های وسیعی بود که در آنها بردگان، نوکرها، رعیت‌ها و برزگرها به کشت محصول برای ارباب می‌پرداختند. زمین‌های بومیان بین استعمارگران تقسیم شد و چنان‌که زمین‌های وسیع‌تری را متصرف شدند، به کارگرانی که روی زمین کار کنند محتاج شدند و لذا به ایجاد جوخه‌های کار^۱ پرداختند که عبارت بودند از دسته‌هایی از زارعان که با مزدی اندک به ضرب زور و اسلحه به کار گماشته می‌شدند.^(۴۱) این وضعیت در دوران بعد از استقلال از اسپانیا در سال ۱۸۲۱ نیز ادامه یافت. به عنوان نمونه در دوران یوبیکو همراه با افزایش مصرف قهوه در اروپا و ایالات متحده، اکثر مردان سرخپوست بومی در مناطق فقیرنشین مجبور بودند سه یا چهار ماه در سال در یکی از مزارع بزرگ در سواحل جنوبی گواتمالا کار کنند؛ بنابراین در این دوران شاهد شکل‌گیری دو طبقه هستیم؛ یکی طبقه سرخپوست، مذهبی و محلی در دامنه کوهستان و طبقه دیگر در ارتفاعات شهری، سکولار و ملی.^(۴۲) در این دوران دهقانان به‌شدت از کمبود زمین رنج می‌بردند و تأمین مایحتاج زندگی برای آنان بسیار سخت بود. سپس این وضعیت در دوران آروالدو اندکی بهبود یافت. با وجود این اقدامات گسترده‌تر را دولت آرینز باید عهده‌دار می‌شد.

شیلی

مشخصه سیاسی شیلی از فردای پس از استقلال از اسپانیا در ۱۸ سپتامبر ۱۸۱۸ تا سال ۱۹۷۰ وجود حکومت‌های وابسته، دیکتاتوری و برآمده از کودتاست. در دوران دیکتاتوری کارلوس ایباز در سال ۱۹۲۵ شرکت‌های مس امریکایی جانشین شرکت‌های بریتانیایی شدند. در این دوران سرمایه‌گذاری امریکا که تا سال ۱۹۱۳ به ۱۵ میلیون دلار رسیده بود در سال ۱۹۳۰ به یکباره به ۷۹۰ میلیون دلار رسید.^(۴۳) قدرتمندترین این شرکت‌ها شرکت مس کنگات، آناکوندا، لابرادن و شرکت ای.تی.تی بودند. بین سال‌های ۱۹۵۵ تا ۱۹۷۰ سود سالانه کنکات در شیلی ۳۴/۸

درصد بود. کمپانی آناکوندا بزرگ‌ترین معدن روی زمینی مس جهان را به نام «چوکوئی کاماتا»^۱ تحت کنترل و اداره داشت.^(۴۴) در این میان فعالیت‌های ای.تی. تی. سایر شرکت‌ها قابل توجه‌تر و بیشتر بود. این شرکت تا پیش از ۱۹۷۰ یک مرکز قدرت عظیم را تشکیل می‌داد و ۲۹۰ شرکت مختلف و نیز ۷۱ درصد سرمایه‌های سایر شرکت‌های عام شیلی را در کنترل خود داشت.^(۴۵) در این مورد می‌توان به کنترل هتل‌ها، اجاره اتومبیل، خدمات بیمه، کتاب، قطعات خودرو و تسلیحات نظامی اشاره کرد. ای. تی. تی مالک ۷۰ درصد از سهام شیلتلکو^۲ یعنی شرکت انحصاری تلفن در شیلی بود و ارزش این سهام به ۱۵۰ میلیون دلار می‌رسید.^(۴۶)

پس از ایبازن شاهد روی کار آمدن حکومت طبقاتی مونترو (۱۹۳۲-۱۹۳۱) و سپس حکومت سوسیالیستی مارمادوک گرو هستیم. به‌رغم عمر کوتاه این حکومت، شورای انقلابی آن الهام‌بخش طبقه کارگر و در پی آن تشکیل حزب سوسیالیسم در سال ۱۹۳۳ به رهبری سالوادور آلنده گردید. پس از دوران مارمادوک گرو می‌توان به دوران دیکتاتوری *الساندری* (۱۹۴۱-۱۹۳۲)، حکومت ضد کمونیستی *گونزالس ویلا* در سال ۱۹۴۶، ریاست دوباره *ایبازن* در سال ۱۹۵۲، *آلساندری* در سال ۱۹۵۸ و *ادواردو فری*^۳ در سال ۱۹۶۴ اشاره کرد. ادواردو فری قول داده بود اگر به ریاست‌جمهوری برسد اصلاحات مورد نظرش را بدون ضدیت با شرکت‌های بزرگ انجام دهد.^(۴۷) طی سیاست ملی کردن مس، اگرچه دولت قادر به خرید بخش عمده سهم یکی از شرکت‌های بزرگ مس (لااکزوتیکا) بود، ولی مالکیت بزرگ‌ترین آنها در دست ایالت متحده باقی ماند.^(۴۸) علاوه بر این وعده‌های حزب دموکرات مسیحی در مورد اصلاحات ارضی به طور کامل اجرا نشد و بین سال‌های ۱۹۶۵ و ۱۹۷۰ تنها ۲۱/۰۰۰ هزار از ۱۰۰/۰۰۰ هزار خانوار دهقان، زمین دریافت کردند؛^(۴۹) اقدامی که به همراه ملی کردن مس دولت *سالوادور آلنده*^۴ باید عهده‌دار آن می‌شد.

اصولاً چه در دوران استعمار و چه پس از آن وضعیت کارگران و دهقانان نامناسب بود. با فتح شیلی در ۱۵۴۰ توسط اسپانیایی‌ها شاهد درگیری میان

1. Chuqui Camuta
2. Chiltelco
3. Eduino Frei
4. Salvador Allende

سرخپوستان و استعمارگران هستیم که در نتیجه آن سرخپوستان در مرز جنوبی مستقر شدند. در طول دوره استعمار هزاران تن از بومیان در نتیجه کارهای سخت در مزارع و یا معادن نیترات و مس از پای درافتادند و عده بیشتری از آنان به واسطه مشقت زیاد در صدد خودکشی برآمدند.^(۵۰) این وضعیت پس از دوره استعمار اسپانیا نیز ادامه می‌یابد. در این دوران نیز کارگران کشاورزی مجبور بودند نسل در نسل روی یک زمین و در منتهای فقر و فلاکت کار کنند. با وجود این، شرایط بسیار دشوار کار و زندگی و دستمزدهای نسبتاً پایین کارگران دلایلی هستند که موجب پیشرفت افکار کمونیستی در مراکز کارگری و رشد اتحادیه‌های کارگری در معادن مس و نیترات شد.^(۵۱) به عنوان نمونه در سال ۱۹۰۹ فدراسیون کارگران در شیلی و در سال ۱۹۱۲ حزب سوسیالیست کارگران که در ژانویه ۱۹۲۲ به حزب کمونیست تغییر نام داد و در نهایت حزب سوسیالیست در ۱۹ آوریل ۱۹۳۳ تأسیس شدند.^(۵۲) با وجود این، حکومت‌های گذشته حقوق قانونی این اتحادیه‌ها را به رسمیت نمی‌شناختند و در صدد سرکوب آن برمی‌آمدند؛ وضعیتی که باید در دولت آینده پاسخ مناسبی به آن داده می‌شد.

۲. کارکردهای سیستم سیاسی

جدول شماره ۲. مقایسه کارکردهای سیستم سیاسی

کارکرد نمادین	کارکرد استخراجی	کارکرد پاسخگویی	کارکرد توزیعی	کارکرد تنظیمی	شاخص کشور
ماهیت ناسیونالیستی و ضد استعماری	افزایش صادرات غیرنفتی و تصویب قوانین مالیاتی، محدودیت واردات، حمایت مردمی در واقعه سی‌ام تیر ۱۳۳۱ و پخش اوراق قرضه ملی	افزایش تولید محصولات کشاورزی، کاهش شاخص کالاهای خوراکی و پوشاکی در سال ۱۳۳۱، لایحه قانونی شهرداری‌ها، تأمین منافع مادی و غیرمادی بازار	لایحه بیمه‌های اجتماعی کارگران و لایحه تعدیل اجاره بها، لایحه قانونی اصلاحات ارضی، کاهش مالیات طبقات پایین	ملی کردن صنعت نفت، کسب اختیارات ویژه، سرپرستی وزارت دفاع - قانون امنیت اجتماعی، خنثی کردن کودتای ۲۵ مرداد ۱۳۳۲	ایران (جولت مصدق)

حل نکردن اختلافها با جناح مذهبی و شکاف در جبهه ملی، رفع نکردن اتهام نفوذ کمونیست‌ها	حیطه عملیاتی محدود در گرفتن مالیات، بسیج نکردن مردم در مقابله با کودتاچیان	افزایش شاخص کالاهای مصرفی به‌ویژه در اواخر حکومت، افزایش شاخص اجاره بهای خانه، بی‌توجهی به برخی از خواسته‌های غیر اقتصادی مردم، نارضایتی طبقه متوسط سنتی پس از قیام سی‌ام تیر	محدود بودن حیطه عملیاتی قوانین برشمرده‌شده	برخورد ناکافی با تظاهرات، از دست دادن حمایت مجلس پس از قیام سی‌ام تیر، عدم فراخوانی ارتش طرفدار دولت در مقابل کودتاچیان	مجلس	
ماهیت ناسیونالیستی و ضد استعماری	انجام اصلاحات اجتماعی مختلف با تکیه بر قدرت طبقات پایین	گسترش خدمات عمومی به‌ویژه در روستاها و توجه به طبقات پایین، افزایش تولیدات کشاورزی	اصلاحات ارضی به صورت گسترده و افزایش قدرت سازمان‌های کارگری و دهقانی	مصادره هکتارها زمین از مزارع شرکت متحده میوه	مجلس	گواتمالا (دولت آرین)
فقدان پایگاه حزبی متشکل و رفع نکردن اتهام نفوذ کمونیست‌ها	جدی نبودن در گرفتن مالیات، عدم بسیج طبقات پایین در مقابل کودتاچیان	نارضایتی طبقه شهری، زمین‌داران و کلیسا	اقدامات خودانگیخته و بازتوزیعی از پایین، توسط دهقانان	ضعف دفاعی در مقابل حملات سازماندهی‌شده از هندوراس و عدم تجهیز و آماده‌باش ارتش، فقدان اکثریت در کنگره	مجلس	
ماهیت ناسیونالیستی و ضد استعماری	انجام اصلاحات اجتماعی مختلف با تکیه بر قدرت کارگران	افزایش رشد تولید ناخالص داخلی در نخستین سال دولت، توانایی پاسخگویی در برابر طبقات پایین	اهمیت به عدالت اجتماعی و ارائه خدمات گسترده، افزایش درآمد کارگران و مشارکت آنان در امور جامعه، اصلاحات ارضی	ملی کردن صنایع مس و قطع دخالت شرکت‌های خارجی به‌ویژه ای.تی.تی	مجلس	شیلی (دولت آلنده)

اختلاف شدید در جبهه خلق، رفع نکردن اتهام نفوذ کمونیست‌ها	فقدان اقدامات جدی در گرفتن مالیات، بسیج نکردن کارگران در مقابله با کودتاجیان	افزایش تورم پس از یک سال، نارضایتی زنان طبقات بالا و متوسط، کمبود مواد غذایی و سهمیه‌بندی کالاها	اولویت دادن به کارگران مرد در سیاست‌های بازتوزیعی، اقدامات بازتوزیعی از پایین در تصرف مزارع و کارخانه‌ها	ناتوانی در مقابل اعتصاب کامیون‌داران و کارگران معادن مس، کنترل نکردن نیروهای مسلح، فقدان اکثریت در کنگره	۳۰
--	--	--	--	--	----

ایران (دولت مصدق ۱۹۵۱ تا ۱۹۵۳ / اردیبهشت ۱۳۳۰ تا مرداد ۱۳۳۲)

کارکرد تنظیمی

این کارکرد را می‌توان از دو بعد خارجی و داخلی تشریح کرد. تا آنجا که به بعد نخست مربوط می‌شود، بر اساس سیاست موازنه منفی لازم بود سیاستی در ایران دنبال شود که بر اساس آن نفوذ ناخواسته تمام قدرت‌های خارجی در ایران خاتمه یابد.^(۵۳) در این زمینه، مصدق نخست سراغ مسئله نفت رفت. وی چند هفته پس از رسیدن به نخست‌وزیری کمیته‌ای را به خوزستان فرستاد تا تأسیسات نفتی را تحویل بگیرد.^(۵۴) خروج کارشناسان انگلیسی از معادن نفت جنوب در چهارم مهرماه ۱۳۳۰، پیروزی دولت ایران در شورای امنیت در ۲۶ مهرماه ۱۳۳۰، بستن کنسولگری‌های انگلیس در اول بهمن ۱۳۳۰، خاتمه کار به نفع دولت ایران در دیوان بین‌المللی دادگستری در اول مرداد ۱۳۳۱ و قطع روابط سیاسی با دولت انگلیس در ۳۰ مهرماه ۱۳۳۱ نیز در همین راستا محسوب می‌شود.^(۵۵)

در بعد داخلی نیز دکتر مصدق با اعلام اینکه در مقام نخست‌وزیر قانونی، حق تعیین وزیر جنگ و همچنین وزرای کابینه را دارد دشمنی شاه را برانگیخت. برای نخستین بار سلطه شاه بر ارتش به طور جدی در معرض تهدید قرار گرفت؛^(۵۶) موضوعی که همراه با درخواست اختیارات ویژه به قیام سی‌ام تیر منجر شد. در نهایت پس از پیروزی، مصدق به عنوان وزیر جنگ (دفاع ملی) بسیاری از افسران ارتش را بازنشسته کرد و یا محل مأموریت آنها را تغییر داد. وی همچنین ریاست ستاد ارتش را به یکی از ژنرال‌های مورد اعتماد خود واگذار کرد.^(۵۷) ۱۵۰۰۰ نفر را از ارتش به ژاندارمری منتقل کرد و بودجه سرویس‌های اطلاعاتی

را بسیار کاهش داد؛^(۵۸) علاوه بر این دولت امور عشایری را از کنترل ارتش خارج ساخت و در اختیار وزارت کشور قرار داد. با این هدف که بهره‌برداری سیاسی و سرکوب عشایر به دست ارتش را کاهش دهد و وفاداری عشایر را - که بیشتر متمایل به شاه بودند - به نفع دولت جلب کند.^(۵۹) همچنین می‌توان به تصویب قانون امنیت اجتماعی در آبان ۱۳۳۱ اشاره کرد. چهار دلیل دولت برای اجرای این لایحه عبارت بودند از: ضرورت برقراری امنیت، مقابله با تحرکات مخالفان، جلوگیری از فعالیت گروه‌های چپ‌گرا و جلوگیری از به هم خوردن اوضاع پس از انحلال سفارتخانه انگلیس در ایران.^(۶۰)

علاوه بر این، مصدق با کسب اختیارات ویژه از مجلس در مرداد ۱۳۳۱ و شش ماه بعد یعنی در دی‌ماه ۱۳۳۱ و خنثی کردن طرح عزل وی در ۲۵ مرداد ۱۳۳۲ در صدد کنترل و تنظیم امور برآمد. در خصوص مورد آخر هنگامی که نصیری فرمان عزل را به مصدق داد نیروهای کودتای محله را در محاصره نظامی گرفته بودند، اما از این نکته غافل بودند که پیش از توطئه کودتا لو رفته و ارتش برای مقابله با آنان بسیج شده بود.^(۶۱) اما با همه این اقدامات، دولت مصدق در این کارکرد موفقیت چندانی نداشت. اعتصاب‌ها در کارخانه‌ها و محیط کارگری را باید در این راستا قرار داد.^(۶۲) حزب توده از دیرباز علیه دولت مصدق عمل می‌کرد و با برپایی اغتشاشات کارگری و خیابانی موجبات اختلال در نظم و قانون را فراهم می‌ساخت.^(۶۳) برخورد با این تظاهرات به‌ویژه در روزهای ۲۵ تا ۲۸ مرداد ۱۳۳۲ اقتدار بیشتری را از سوی دولت ایجاب می‌کرد. در این شرایط حساس و بحرانی هیچ‌گونه تساهل و مدارایی جایز نبود. علاوه بر این زمانی که مصدق با کاهش حمایت مجلس از فردای پس از قیام سی‌ام تیر روبه‌رو شد، در بسیاری از امور و برنامه‌های خود با چالش مواجه شد و مقتضی بود برای تنظیم بهتر امور، در راستای بهبود این وضعیت بکوشد. به عنوان آخرین و مهم‌ترین ضعف این کارکرد، دگر مصدق بعد از کودتای ۲۵ مرداد در به‌کارگیری ارتش غفلت ورزید. هرچند اختلاف‌های درونی ارتش و وابستگی برخی از افسران به قدرت‌های استعماری در این امر بی‌تأثیر نبود.^(۶۴) اما هیچ‌کدام به اندازه عدم جذب و بسیج آنان از سوی دولت مؤثر نبود؛ موضوعی که می‌توان آن را مهم‌ترین اشتباه دولت مصدق در

خصوص این کارکرد دانست. به دنبال صدور فرمان ممنوعیت تظاهرات در ۲۷ مرداد بنا به خواسته هنادرسن، تیپ سلطنت طلب و پلیس به سمت قلب پایتخت حرکت کردند. در همین اثنا تیپ کوهستانی سوم طرفدار مصدق در پادگان‌ها باقی ماند، مطمئن از اینکه این جابه‌جایی سربازان به خاطر حمایت از خود دولت است.^(۶۵)

کارکرد توزیعی

یکی از وجوه توزیعی دولت مصدق تصویب لایحه قانونی بیمه‌های اجتماعی کارگران در ۲۱ بهمن ۱۳۳۱ بود که مواردی همچون بیماری‌ها، حوادث، ازکارافتادگی، ازدواج، بازنشستگی، بیکاری و غیره را دربرمی‌گرفت.^(۶۶) علاوه بر این، در ژانویه ۱۹۵۳ [دی ۱۳۳۱] به موجب لایحه تعدیل اجاره بها، ده درصد از مال‌الاجاره مستغلاتی که میزان اجاره بهای آنها در ماه بیش از سه هزار ریال نبود، از طرف موجرین به نفع مستأجرین کاهش داده شد.^(۶۷) همچنین در راستای این کارکرد، حکومت ملی در مبارزه با رکود و توزیع مجدد درآمدها با استفاده از لایحه اختیارات، لایحه قانونی اصلاحیه مالیات بر درآمد را در بهمن ماه ۱۳۳۱ به تصویب رسانید.^(۶۸) این لایحه کاهش مالیات از طبقات پایین و افزایش مالیات بر دارایی و درآمد سرمایه‌داران را در دستورکار خود قرار داد.

در مورد وجوه این کارکرد در روستاها باید گفت که سطح پایین زندگی دهقانان موجب شد نخستین لایحه اختیارات ویژه مصدق را از آن خود کند. این لایحه که با عنوان لایحه ازدیاد سهم کشاورزان و سازمان عمرانی کشور به تصویب رسید اهداف زیر را دنبال می‌کرد: ۱) توزیع مجدد درآمد در روستاها و اعطای سهم بیشتری از تولید روستا به کارگران و کشاورزان روستایی. بر اساس این بند ملاکان موظف می‌شدند تا ۲۰ درصد از سهم مالکانه از تولید را به دولت بپردازند تا ده درصد آن به کشاورزان برگرداند و ده درصد دیگر به مصرف عمران روستاها برسد؛ ۲) تشویق اداره شورایی ده.^(۶۹)

اما در هر صورت اقدامات دکتر مصدق در این زمینه، حیطة اجرایی محدودی را در بر می‌گرفت و با مخالفت‌های گسترده‌ای روبه‌رو بود. به عنوان نمونه در نامه

آیت‌الله کاشانی در مورد اجرای قانون ازدیاد سهم کشاورزان آمده است: «از همدان اطلاع می‌دهند قانون ازدیاد سهم کشاورزان اجرا نمی‌شود و مالکین همه روزه ایجاد تشنج و زحمت می‌کنند... مأموران به جای اجرای قوانین و مساعدت به دولت، در مقام تخریب و ایجاد بلوا هستند».^(۳۰) بدون تردید تطمیع مأمورین در جهت عدم اجرای وظیفه خود بی‌ارتباط با تحریک آنها از سوی عناصر خارجی و پیروان داخلی آنها نبود. افزون بر اینکه تحریم‌ها و فشارهای اقتصادی نیز مانع از حیثه گسترده عملیات توزیعی دولت شد.

کارکرد پاسخگویی

ضمن در نظر گرفتن تحریم‌های اقتصادی انگلستان و ایالات متحده این کارکرد را می‌توان از رهگذر آمار و ارقام بررسی کرد. بر اساس مرکز آمار ایران (در سال ۱۳۵۵)، از اردیبهشت ۱۳۳۰ تا مرداد ۱۳۳۲ شاخص کل بهای کالاها و خدمات مصرفی از ۴۴/۱ به ۵۰/۶ رسید که به طور میانگین سالی ۶/۲ درصد رشد داشت. البته همین میزان افزایش نیز بیشتر مربوط به ۵ ماه آخر حکومت مصدق بود و نه ۲۳ ماه پیش از آن. شاخص کالاها و خوراکی نیز در سال ۱۳۳۱ نسبت به سال ۱۳۲۸، ۲/۳ درصد و شاخص کالاها و پوشاکی ۱/۱ درصد کاهش نشان می‌دهد. علاوه بر این تولید محصولات کشاورزی در دوران حکومت مصدق عموماً افزایش یافت. در سال‌های پیش از حکومت مصدق یعنی سال‌های ۲۶، ۲۷ و ۲۸، اجاره‌خانه با شدت کم سابقه‌ای رو به افزایش بود اما طی سال‌های حکومت مصدق این افزایش، سیر نزولی یافت و از ۱۶/۱۱ در سال ۱۳۲۸ به ۶/۵۶ در سال ۱۳۳۰ و ۳/۳۱ در سال ۳۱ و ۲/۲۹ در سال ۳۲ رسید.^(۳۱) بنابراین با توجه به آمار بالا می‌توان گفت به‌رغم تحریم‌های اقتصادی، کارکرد پاسخگویی دولت مصدق نسبت به دولت‌های قبلی درخشان‌تر بوده و تنها در چند ماه آخر این دولت، شاهد افزایش بهای کالاها و خدمات مصرفی هستیم. علاوه بر این هرچند افزایش اجاره بها در دوران دولت مصدق نیز وجود دارد، اما در مقایسه با دولت‌های پیشین درصد کمتری را شامل می‌شود. در هر صورت همین مقدار افزایش شاخص‌ها و مشکلات اواخر دولت نیز کارکرد پاسخگویی آن را با چالش مواجه کرده و تسریع‌بخش کودتا شده است.

اصولاً سیاست‌های اقتصادی ملی‌گرایانه مصدق در مورد ترویج برخی صنایع محلی و گسترش صادرات محصولات محلی، بازار را در تأمین منافع مادی خود یاری کرد.^(۳۲) البته پس از قیام سی‌ام تیر برخی از اقدامات مصدق مانند دخالت در بازار آزاد و پیشنهاد ملی شدن برخی از شرکت‌ها، بازار را نسبت به سیاست‌های دولت ناراضی کرد.^(۳۳)

در بُعد غیراقتصادی نیز می‌توان به لایحه قانونی شهرداری‌ها در تاریخ ۱۳۳۱/۸/۱۱ در راستای مشارکت مردم در تصمیم‌گیری‌های حکومتی که اعضای آن طبق ماده ۳ از طرف اهالی، به طور مستقیم با انتخاب جمعی و رأی مخفی با اکثریت نسبی برای مدت ۴ سال انتخاب می‌شدند، اشاره کرد.^(۳۴) علاوه بر این، در مورد منافع غیرمادی، احساس بازاریان طی حکومت مصدق این بود که فرصت بی‌نظیری در اختیار آنان قرار گرفته تا در حیات سیاسی کشور مشارکت کنند. مصدق به عنوان حامی منافع خرده بورژوازی ملی نقش جدیدی را به این گروه در سیاست ملی محول کرد.^(۳۵) اما این نقش از فردای پس از قیام سی‌ام تیر کم‌رنگ شد؛ به‌ویژه آنکه نارضایتی جناح مذهبی از برخی از اقدامات دولت - که در قسمت کارکرد نمادین به آن پرداخته خواهد شد - بخش بزرگی از بازار را نیز که مدافع جناح مذهبی بود از عملکرد دولت ناراضی و متعاقباً به حاشیه امور سیاسی منتقل کرد. مردم نیز در برخی از ابعاد غیر اقتصادی از سیاست‌های دولت ناراضی بودند. به عنوان نمونه یکی از خواسته‌های آنان مجازات مسببین قیام سی‌ام تیر بود که این امر محقق نشد. در این مورد می‌توان به مجازات سرلشگر وثوق و همچنین قوام السلطنه اشاره کرد.

کارکرد استخراجی

این کارکرد را می‌توان از دو بعد مادی و انسانی مورد بررسی قرار داد. افزایش صادرات غیرنفتی و تلاش در جهت کاهش وابستگی به درآمدهای نفتی، تصویب قوانین مالیاتی و محدودیت واردات را می‌توان در بعد منابع مادی این کارکرد قرار داد و واقعه سی‌ام تیر ۱۳۳۱ و پخش اوراق قرضه ملی را از مهم‌ترین وجوه این توانایی از رهگذر پایگاه منابع انسانی مورد ملاحظه قرار داد. در مورد کاهش

وابستگی به درآمدهای نفتی و یا همان بودجه بدون نفت طبق نظر دکتر مصدق می‌خوانیم: «دولت توانست متجاوز از دو سال بدون کمک خارجی و عوائد نفت و پرداخت بودجه شرکت ملی نفت، مملکت را اداره کند... روزی هم که دولت سقوط کرد وجهی معادل ۸۰۰ میلیون ریال نقد و در حدود ۱۲۰۰ میلیون ریال مطالبات و جنس موجود داشت».^(۳۶)

از وجوه دیگر این کارکرد می‌توان به وضع مالیات بر دارایی، سرمایه و درآمد اشخاص و شرکت‌های سرمایه‌دار اشاره کرد. در این زمینه وصول مالیات‌های مستقیم و غیرمستقیم تهران (غیر از حومه) در فروردین ماه ۱۳۳۲ نسبت به فروردین ۱۳۳۱، ۲/۵۷۵/۰۶۷/۲۸۵ ریال افزایش یافت. در تعقیب سیاست محدودیت واردات نیز از تاریخ ۱۳۳۱/۱۰/۷ آمار وزارت اقتصاد ملی نشان می‌دهد صادرات سال ۱۳۳۱ نسبت به سال ۱۳۳۰، ۱۳ درصد افزایش داشته و در همین مدت ۵۰ درصد از ارزش واردات به کشور کاهش یافته است.^(۳۷)

از رهگذر منابع انسانی نیز می‌توان به حمایت گسترده مردم از دولت در واقعه سی‌ام تیر اشاره کرد. این وضعیت را جامی در کتاب خود این‌گونه شرح می‌دهد: «مردم به محض اطلاع از استعفای دکتر مصدق، از همان اولین روزها در حال اعتراض و اعتصاب بودند. تظاهرات و اعتراض مردم منحصر به شهر تهران نبود. تظاهرات پرشکوه روز سی‌ام تیر، قیام واقعی و پر عظمت یک ملت زنده بود. در تظاهرات مردم از هر حزب و دسته و جمعیت و از هر طبقه و صنفی شرکت داشتند». همچنین زمانی که دولت مصدق در برابر مشکلات اقتصادی ناشی از محاصره اقتصادی قرار گرفته بود، به نشر اوراق قرضه ملی در سال ۱۳۳۰ مبادرت کرد که البته بیشترین فروش این اوراق مربوط به طبقات محروم و متوسط جامعه بود؛^(۳۸) البته این وضعیت بدون حمایت طبقه متوسط سستی امکان‌پذیر نبود.

در تحلیل نهایی، پرسش اصلی که وجود دارد این است که با وجود کارکرد موفقیت‌آمیز استخراجی دولت مصدق، چرا این دولت در ۲۸ مرداد فرو پاشید؟ از نظر دکتر کاتوزیان پیروزی کودتا دلایل گوناگون و متعددی داشت؛ اما یکی هم این بود که مردم اعتماد خود را نه به او که به دوام حکومت او از دست داده بودند. هم به این دلیل، هم به دلیل غافلگیری و هم به دلیل اینکه دولت آنان را برای مقابله با

کودتاجیان فرانخواند و بسیج نکرد.^(۸۹) مصدق باید در به‌کارگیری قدرتی که برخاسته از ملت بود برای برانداختن توطئه‌چیان که در رأس آن محمدرضا شاه قرار داشت، تردید نمی‌کرد،^(۹۰) این مهم نیز منوط به حمایت جناح مذهبی یعنی آیت‌الله کاشانی و در واقع عملکرد مناسب در چهارچوب کارکرد نمادین بود.

کارکرد نمادین

ماهیت ناسیونالیستی را می‌توان مهم‌ترین وجه کارکرد نمادین دولت مصدق دانست. اصولاً در کشورهایی که تحت سلطه قدرت‌های خارجی هستند، ماهیت ناسیونالیستی ابتدا بر محور غرب‌ستیزی و بیگانه‌ستیزی قرار می‌گیرد و سپس به سمت گسترش رویه‌ها و نهادهای دموکراتیک جهت‌گیری می‌کند. ماهیت ناسیونالیستی دولت مصدق نیز ابتدا بر محور غرب‌ستیزی و ضد استعماری در چهارچوب منع اعطای هرگونه امتیاز به خارجیان طی ملی شدن صنعت نفت تجلی یافت. این مهم نیز بدون حمایت مردم و رهبران مذهبی و در واقع همبستگی ملی امکان‌پذیر نبود.

پس از ملی شدن صنعت نفت ماهیت ناسیونالیستی دولت مصدق ایجاب می‌کرد در جهت تقویت همبستگی ملی برای پیمودن ادامه راه تلاش کند. این مهم از آن روست که در بسیاری از کشورهایی که در صدد مبارزه با استعمار بوده‌اند فقط تا مرحله اولیه پیروزی بین جناح‌ها، وحدت و یکپارچگی حاکم بوده و پس از آن دچار اختلاف و تفرقه شده‌اند. در اینجا نیز مصدق تقریباً پس از قیام سی‌ام تیر پشتیبانی جناح سنتی جبهه را از دست داد؛ مسئله‌ای که ضعف نمادین این دولت را پررنگ کرد. در واقع به دلیل مذهبی بودن مردم ایران حذف رهبران مذهبی و در رأس آن آیت‌الله کاشانی نتیجه‌ای جز شکست نهضت به همراه نداشت. در مصاحبه آیت‌الله کاشانی با مخبر (اخبار الیوم)، آمده است: «قبل از اینکه من با مصدق مخالفت کنم ملت با او بود، ولی پس از اینکه من با او به مخالفت پرداختم ملت از دور او پراکنده شد».^(۹۱) با آغاز دوره دوم نخست‌وزیری دکتر مصدق برخی انتصاب‌ها و اقدامات او سبب عمیق شدن اختلافات با آیت‌الله کاشانی شد. در این مورد دکتر مصدق با حمایت از قوام و انتصاب سرلشگر وثوق (عامل کشتار مردم در سی‌ام تیر) به عنوان معاون خود و دکتر اخوی و نصرت‌الله امینی در مناصب

دیگر، اعتراض آیت‌الله کاشانی را برانگیخت.^(۸۲) همچنین واگذاری وزارت کشور و وزارت راه به رهبران غیرمذهبی حزب ایران، وزارت دادگستری به *عبدالعلی لطفی* قاضی ضد روحانی، وزارت فرهنگ به دکتر مهدی آذر هوادار حزب توده، اعطای حق رأی به زنان،^(۸۳) تمدید اختیارات شش ماهه و انحلال مجلس هفدهم همگی از مواردی بودند که زمینه‌های نارضایتی جناح مذهبی را نسبت به سیاست‌های دکتر مصدق فراهم کردند.

در واقع در مرداد ۱۳۳۲، مصدق در نتیجه اتحاد با طبقه متوسط جدید، پشتیبانی سه گروه نماینده بازار یعنی مجاهدین اسلام، حزب زحمتکشان و فداییان اسلام را از دست داد، در حالی که سه نماینده طبقه روشنفکر یعنی حزب ایران، حزب ملی و نیروی سوم هنوز به او وفادار بودند. کوتاه سخن اینکه جبهه ملی از جنبش طبقه متوسط سنتی و جدید به جنبش طبقه متوسط جدید تبدیل شد.^(۸۴) همین مسئله یعنی جدایی رهبران مذهبی و ملی موجب شد که مصدق به‌رغم اینکه تا آخرین روزها می‌گفت «مستظهر به پشتیبانی ملت هستم» در ۲۸ مرداد با یک کودتا از قدرت خلع شود.^(۸۵)

یکی دیگر از ضعف‌های نمادین دولت مصدق، رفع نکردن اتهام نفوذ کمونیست‌ها و حزب توده در امور داخلی ایران بود. هرچند به دلیل حمایت نکردن شوروی از دولت مصدق و تبلیغات گسترده امپریالیست‌ها این اتهام قابل رفع است، اما در هر صورت جبهه ملی با میدان کشیدن حزب توده در سی‌ام تیر و در ۲۵ مرداد، سوء ظن بسیاری از روحانیون سنتی را برانگیخت.^(۸۶) علاوه بر این، زمانی که مصدق وزارت فرهنگ را به دکتر مهدی آذر از هواداران حزب توده واگذار کرد.^(۸۷) و زمانی که با تساهل و مدارا نسبت به تظاهرات حزب توده برخورد کرد، بر شدت این اتهامات افزوده شد.

گواتمالا (دولت آربنز / مارس ۱۹۵۱ تا ژوئن ۱۹۵۴)

کارکرد تنظیمی

آربنز طی سخنانی اعلام کرد: «برنامه عمومی من بیشتر به منظور شکستن قدرت‌های خارجی است که برای حاکمیت کشور تهدید محسوب می‌شوند. من پیش از شروع

اصلاحات ارضی مجبور به مواجهه با شرکت متحده میوه هستم...»^(۸۸) مبارزه با این شرکت که انحصار خطوط راه آهن، خطوط مخابراتی، کنترل مرغوب‌ترین زمین‌ها و هزاران کارگر و کارمند را در گواتمالا در اختیار داشت، اقدامی اساسی به شمار می‌رفت. طبق گزارش کاردوسو و آراگون^۱، در حالی که ارزش دو محصول عمده صادراتی گواتمالا (قهوه و موز) در بازار جهانی ۳۳۶ درصد طی دوره ۱۹۵۰-۱۹۳۸ افزایش یافته، درآمد خالص این شرکت فقط از محصول موز در همین دوره به ۶۷۰ درصد افزایش یافته است. علاوه بر این، شرکت مزبور به‌رغم انجام میزان گسترده‌ای از صادرات چه به صورت پنهانی و چه آشکار، از سرمایه‌گذاری در گواتمالا خودداری می‌کرد؛ مگر در مواردی همچون حمل‌ونقل، آن هم مشروط به اینکه در کنترل آن باقی بماند.^(۸۹) عملیات شرکت متحده میوه در گواتمالا حدود ۲۵ درصد از تولید کل شرکت بود. به دلیل تعرفه‌های بالای حمل‌ونقل از سوی شرکت برای سالیان متمادی تولیدکنندگان قهوه در گواتمالا مجبور به پرداخت تعرفه‌های بسیار بالا بودند و به این دلیل، قیمت قهوه گواتمالا در بازار جهانی بسیار بالا بود.^(۹۰) با توجه به این شرایط، ضرورت برچیدن بساط نفوذ این شرکت در گواتمالا به‌شدت احساس می‌شد.

سرانجام در ژوئن ۱۹۵۲ آرینز فرمان شماره ۹۰۰ مبنی بر برنامه اصلاحات ارضی را اعلام کرد. به موجب این فرمان مالکیت زمین‌های کشت‌نشده‌ای که مساحت آن از مقدار معینی بیشتر بود، سلب و بین دهقانان بی‌زمین توزیع می‌شد.^(۹۱) اما چون بسیاری از زمین‌های بلااستفاده در گواتمالا متعلق به شرکت متحده میوه بود، بنابراین واکنش جدی این شرکت را برانگیخت. در نهایت این شرکت ۱۷۸۰۰۰ جریب زمین از دست داد. بر اساس مالیاتی که شرکت پرداخته بود دولت گواتمالا ۱/۱۸۵/۱۱۵ دلار به شرکت مزبور غرامت پیشنهاد کرد، اما شرکت به‌رغم اعلامیه‌های مالیاتی مدعی شد دولت گواتمالا باید ۱۶ میلیون دلار به او بدهد.^(۹۲) اما موفقیت دولت آرینز در مصادره هکتارها زمین از شرکت متحده میوه به‌رغم فشارهای خارجی و داخلی، فقط یک روی سکه بود. در آن سو دست‌کم از دو جهت عنان تنظیم امور از دست او خارج شد: نخست اینکه آرینز برای انجام

برنامه‌ها و طرح‌های مورد نظر خود با مخالفت کنگره روبه‌رو بود. به عنوان نمونه زمانی که وی برای گواتمالا مالیات بر درآمد را در نظر گرفت، در مقابل یک اپوزیسیون قوی در کنگره قرار گرفت. دوم اینکه در حالی که ایالات متحده به مسلح کردن و تعلیم دادن قوای کاستیلو آرماس در هندوراس ادامه می‌داد، اعتراض‌های گواتمالا در سازمان ملل متحد به جایی نمی‌رسید؛^(۹۳) از سوی دیگر به دلیل تحریم اسلحه از جانب کشورهای تحت نفوذ آمریکا به گواتمالا دولت آربنز مجبور شد در برابر حملاتی که از هندوراس و نیکاراگوئه به سرپرستی ایالات متحده سازمان‌دهی شده بود، از چکسلواکی اسلحه دریافت کند؛ اما هیچ‌یک از این اقدامات یعنی اقامه دعوی در سازمان ملل و دریافت اسلحه از چکسلواکی نتوانست مانع از سقوط دولت وی توسط آرماس شود؛ آنچه دولت آربنز به آن نیاز داشت تجهیز و آماده‌باش کامل ارتش بود، اما این نیروها فقط در حالت ذخیره نگه داشته شده بودند و آربنز نتوانست و یا نخواست از ستون نظامی برای مقابله با این تهدیدها استفاده کند. در این زمینه، ارتش او فقط پانزده نفر کشته و ۲۵ نفر مجروح داشت.^(۹۴) در واقع تصمیم دولت آیزنهاور مبنی بر اعمال «عملیات کامیاب»^۱ در سرنگونی دولت آربنز هرچند از عناصر مهم شکست نهایی انقلاب بود اما آنچه اهمیت بیشتری داشت تصمیم اکثریت افسران ارشد در ارتش گواتمالا در جهت امتناع از دفاع در برابر تهاجم ارتش آزادی‌بخش از هندوراس تحت سرپرستی ایالات متحده بود که در نهایت به استعفای آربنز منجر شد.^(۹۵)

کارکرد توزیعی

مهم‌ترین وجه کارکرد توزیعی دولت آربنز اصلاحات ارضی و تقسیم زمین میان دهقانان بود. در این دوران حدود ۲ درصد از جمعیت، تقریباً ۷۲ درصد از زمین‌های زراعی گواتمالا را در دست داشتند، در حالی که ۸۸ درصد از جمعیت تنها صاحب ۱۴ درصد از زمین‌ها بودند و از مجموع زمین‌های خصوصی کمتر از ۱۲ درصد زیر کشت بود. در کشوری که بیش از دو سوم جمعیت متکی به بخش کشاورزی هستند، این به معنای فقر گسترده، سوء تغذیه و مشکلات بهداشتی همراه

آن بود.^(۹۶) با توجه به این شرایط ضرورت توزیع زمین میان دهقانان توسط دولت آربنز به صورت جدی احساس شد.

در نهایت، آربنز در ژوئن ۱۹۵۲ قانون اصلاحات ارضی را به تصویب رسانید. از این قانون صد هزار خانوار منتفع شدند، البته فقط اراضی غیر مولد را شامل می‌شد.^(۹۷) فرمان شماره ۹۰۰ تصریح می‌کرد تأمین اعتبار، بخش جدایی‌ناپذیر اصلاحات ارضی است. لذا در این خصوص بین مارس ۱۹۵۳ و ژوئن ۱۹۵۴ در حدود ۱۱/۸۸۱/۴۳۲ دلار وام پرداخت شد، یعنی به طور متوسط ۲۲۵ دلار به هریک از ۵۳/۸۲۹ متقاضی اعطا شد.^(۹۸) صرف نظر از انتقال زمین از مالکان بزرگ به دهقانان و کارگران روستایی، شاید اهمیت بیشتر اصلاحات ارضی به خاطر افزایش قدرت نیمه‌مختار سازمان‌های کارگری و دهقانی^۱ در روستاها بود.^(۹۹)

اما دولت آربنز در مواجهه با اقدامات خودانگیخته و بازتوزیعی از پایین توسط دهقانان با مشکل جدی مواجه بود. در این مورد بین ماه‌های دسامبر ۱۹۵۳ تا آوریل ۱۹۵۴ تقریباً ۳۰ پارچه مزارع خصوصی کشاورزی توسط دهقانان و بدون اجازه قانونی مصادره شد.^(۱۰۰) این امر به واکنش‌های خشونت آمیزی میان زمین‌داران و دهقانان منجر شد و دولت در این راستا پیشنهاد ایجاد کمیته‌های دهقانی به منظور جلوگیری از اقدامات افراطی دهقانان را ارائه داد.^(۱۰۱) در این زمینه شورای محلی کشاورزی^۲ که از یک فرماندار و سه نامزد سندیکای کارگران محلی و یا اتحادیه دهقانان تشکیل می‌شد، در سراسر روستا وظیفه سلب مالکیت از زمین‌داران بزرگ را بر عهده گرفت که البته خود تحت نظارت یک سازمان دولتی به نام دپارتمان ملی کشاورزی^۳ قرار می‌گرفت. تصمیم نهایی نیز به ریاست جمهوری واگذار شد.^(۱۰۲) اما حتی با اتخاذ این تدابیر، دولت آربنز از توانایی کافی برای کنترل اوضاع برخوردار نبود. در این مورد، جیم هندلی^۴، تاریخ‌دان کانادایی اشاره می‌کند که درگیری‌های داخلی پیرامون به دست آوردن زمین همراه با اقدامات براندازانه ایالات متحده به سقوط این دولت کمک کرده است.^(۱۰۳) بدون تردید اقدامات شدیدتر امنیتی در

1. Peasant and Workers Federations
2. Local Agrarian Councils
3. National Agrarian Department (DAN)
4. Jim Handy

جهت سلب مالکیت‌ها می‌توانست تا حدودی از چالش‌های این کارکرد بکاهد.

کارکرد پاسخگویی

توزیع زمین میان دهقانان، حمایت از فدراسیون‌های کارگری و اتحادیه‌های دهقانی، گسترش خدمات و ارائه وام‌های کم‌بهره به دهقانان را که در قسمت کارکرد توزیعی به آن پرداخته شد، می‌توان از مهم‌ترین وجوه کارکرد پاسخگویی دولت آرینز دانست. از دیگر وجوه این کارکرد می‌توان به اقدامات کاستیلو فلورس^۱، رئیس لیگ دهقانان و دیگر سازمان‌ها برای تلاش در جهت گسترش خدمات عمومی به دهقانان اشاره کرد. آنها در تلاش برای کمک به زنان خانه‌دار، تأمین کمک‌هزینه تحصیلی دانشجویان و تأمین مسکن دهقانان بودند. همچنین آنان دهقانان را از حملات خشونت‌آمیز زمین‌داران محافظت می‌کردند و به درخواست‌های فردی دهقانان پاسخ می‌دادند.^(۱۰۴) علاوه بر این، در آوریل ۱۹۵۳ دولت آرینز از ۱/۲۰۰ کیلومتر جاده‌های آسفالته بهره‌برداری کرد و تکمیل بزرگراه آتلانتیک تا خلیج سانتو توماس^۲ در سواحل کارائیب را تا اواسط یا اواخر سال ۱۹۵۵ و تأسیس مرکز تولید برق نیز وعده داد. همچنین در سال ۱۹۵۳ تولید ذرت ۱۰ درصد و برنج و گندم نیز تا ۷۴ و ۲۱ درصد نسبت به سال ۱۹۵۲ افزایش یافت.^(۱۰۵) با وجود این مشکلات اقتصادی اواخر دولت را که ناشی از افزایش فشارها و تحریم‌های اقتصادی بود، نمی‌توان از نظر دور داشت.

در هر صورت هرچند دولت آرینز از توانایی پاسخگویی نسبت به نیازهای دهقانان و کارگران برخوردار بود، اما در آن سو طبقه شهری، زمین‌داران و کلیسا، دولت را فاقد توانایی پاسخگویی نسبت به خواسته‌های خود می‌دانستند و از عملکرد آن ناراضی بودند. به عنوان نمونه تلاش برای سلب مالکیت زمین‌های شهری در بسیاری از مناطق به نگرانی شدید بسیاری از مردم در برابر دولت در چند سال آخر حکومت تبدیل شده بود. همچنین قیمتی که برای زمین‌های مصادره‌شده تعیین شده بود و اقدامات غیرقانونی دهقانان در سلب زمین‌ها موجبات نارضایتی زمین‌داران از دولت را فراهم کرد. کلیسا نیز به عنوان یکی از ساختارهای سنتی در روستاها از

1. Castillo Flores
 2. Santo Tomas

اقدامات دولت ناراضی بود و در صدد مقابله با قدرت سازمان‌های دهقانی که مجری سیاست‌های دولت بودند، برآمد. تهدید اقتدار کلیسا در روستاها تا جایی بود که حتی در روستای آکاساگوتین، جالاپا^۱؛ کشیش جدید دهکده از خشم دهقانان مجبور به فرار شد.^(۱۰۶) در هر صورت دولت می‌توانست با اقدامات مختلفی همچون ارائه پیشنهادهایی در مورد پرداخت قیمت‌های بالاتر به زمین‌دارانی که از آنها سلب مالکیت شده بود و همچنین اقدام در جهت رفع نگرانی‌های کلیسا که به دلیل کاهش اقتدار آن در روستاها ایجاد شده بود، از آثار سوء این کارکرد بکاهد.

کارکرد استخراجی

در راستای این کارکرد آربنز با حمایت قاطع مردمی و احزاب و اتحادیه‌های مختلف به قدرت رسید و اقدامات مختلفی را طی حکومت خود با اتکای بر این اهرم به‌ویژه طبقات پایین و روستایی انجام داد؛ خصلمتی که صبغه‌هایی از ماهیت پوپولیستی را برای این دولت نمایان ساخت. حمایت گسترده مردم از دولت آربنز تا جایی بود که ایالات متحده نمی‌توانست با استفاده از تحریک مردم ضد دولت اقدامی انجام دهد. حتی در نوامبر ۱۹۵۳ انتخابات شهرداری‌ها نشان داد تمامی کوشش‌هایی که برای کاهش حمایت مردم از آربنز به عمل آمده ناموفق بوده است. اما در فرایند نهایی آربنز نتوانست با استفاده از این اهرم مانع از سقوط دولت شود. مسلح کردن مردم منعکس‌کننده شیوه تفکری انقلابی بود و حکومت آربنز انقلابی نبود و لذا به درخواست مردم برای دریافت اسلحه برای دفاع از کشور پاسخی نداد.^(۱۰۷) به عنوان نمونه طی حملات هوایی که از نیروهای ارتش رهایی‌بخش به سرپرستی کاستیلو آرماس در سال ۱۹۵۴ صورت می‌گرفت، آربنز همچنان به حل مسائل موجود از راه دیپلماسی دل بسته بود. وی به این توصیه اعتنایی نکرد که اجتماعی از طرفدارانش را در پایتخت گرد هم آورد، بلکه به جای آن از اسکار /سوریو رئیس جمهور السالوادور درخواست کرد تا در اختلاف میان گواتمالا و هندوراس میان‌داری کند. در نهایت در ۲۵ ماه ژوئن آخرین گام را برداشت و تصمیم گرفت جنگ‌افزار را بین سازمان‌های ملی و احزاب سیاسی پخش کند، زیرا

به عقیده وی اگر ارتشیان مایل نبودند به نفع او بجنگند چه بهتر که سلاح را در اختیار کسانی بگذارند که آماده مبارزه برای او بودند، اما این تصمیم خیلی دیر گرفته شد.^(۱۰۸)

کارکرد نمادین

مهم‌ترین وجه نمادین دولت آرینز را ماهیت ناسیونالیستی آنتشکیل می‌دهد. موضع‌گیری گسترده دولت آرینز علیه شرکت متحده میوه و مصادره هکتارها زمین از شرکت مزبور که کشور گواتمالا را تحت استثمار خود قرار داده بود در این راستا قابل ارزیابی است. این امر نیز به نوبه خود موجب تأمین حاکمیت مردم گواتمالا بر اراضی کشاورزی، ایجاد جامعه‌ای بازتر، نفی سلطه زمین‌دار بر دهقان، کاهش کار اجباری، گسترش خدمات عمومی در روستاها، برنامه‌ریزی برای سواد آموزی، تقویت اتحادیه‌های کارگری و گسترش فعالیت احزاب شد؛ ولی مخالفان دولت به‌ویژه شرکت متحده میوه و مالکان که از انجام اصلاحات ارضی ناراضی بودند برای کاهش وجهه مردمی و ناسیونالیستی دولت این اقدامات را ناشی از کمونیستی بودن آن می‌دانستند. فرماندهان نظامی نیز که به طور فزاینده‌ای در مورد از دست دادن کنترل مناطق روستایی نگران شده بودند به این حربه متوسل شدند؛^(۱۰۹) به‌ویژه آنکه اقداماتی نظیر کمک مالی دولت آرینز به نشریات سیاسی از جمله نشریه کارگری، اعتراض به آزمایش‌های اتمی ممالک متحده امریکا در اقیانوس آرام^(۱۱۰) دریافت اسلحه از چکسلواکی برای دفاع در مقابل حملات آرماس و رأی منفی علیه قطعنامه کنفرانس کشورهای قاره امریکا، آن هم تنها به این دلیل که قطعنامه زمینه دخالت امریکا را در این کشور فراهم می‌کرد، همگی به جای ماهیت ضد استعماری و ناسیونالیستی، در راستای ماهیت کمونیستی دولت قلمداد می‌شد. این درحالی بود که اتحاد جماهیر شوروی از دولت گواتمالا حمایت نمی‌کرد و مسکو حتی در گواتمالا نمایندگی سیاسی نداشت.^(۱۱۱) همچنین در دولت آرینز کمونیست‌ها در اقلیت کامل بودند. در کنگره فقط ۴ نماینده از طرف حزب کارگر گواتمالا^۱ وجود داشت.^(۱۱۲)

در هر صورت ضعف نمادین دولت آرینز بر شدت این روند یعنی اتهام کمونیستی بودن می‌افزود که خود یکی از مهم‌ترین عوامل مخل‌کننده بقای وی بود. این ضعف از این جهت است که حتی دولت تا ژانویه ۱۹۵۴ اداره انتشارات و تبلیغات خود را برای مقابله با حملات مطبوعات امریکا، به‌ویژه نیویورک تایمز، لایف و ریدرز دایجست^۱ تأسیس نکرد؛^(۱۱۳) روندی که تأثیرات نامطلوبی را در سطح جامعه ایجاد کرد. به عنوان نمونه می‌توان یکی از مهم‌ترین دلایل عدم موفقیت کنترل اصلاحات از پایین در قالب کمیته‌ها و شوراها و اتحادیه‌های کارگری و دهقانی را که در قسمت پیشین به آن اشاره شد، در این راستا ارزیابی کرد، چراکه تبلیغات شدید زمین‌داران و شرکت متحده میوه این سوء ظن را در میان مردم ایجاد کرده بود که این سازمان‌ها از طرف کمونیست‌ها اداره می‌شود؛ بنابراین طبیعی بود که اهمیتی به تصمیمات آن ندهند و با آنها همکاری نکنند.

یکی دیگر از ضعف‌های کارکردی دولت آرینز، برخوردار نبودن از پشتوانه محکم و منسجم حزبی برای رسیدن به اهداف خود بود. وجود پایگاه حزبی قوی و منسجم از مهم‌ترین مواردی است که ادامه فعالیت را برای دولت‌های ناسیونالیستی فراهم می‌کند. در حالی که به نظر می‌رسد دولت آرینز فاقد آن بود. دو حزب انقلابی اقدام^۲ و حزب انقلابی کارگران گواتمالا^۳ به عنوان احزاب طرفدار آرینز، هیچ‌کدام ایدئولوژی، مرامنامه جدی و سازمانی منسجم همراه با شعبه‌های فرعی نداشتند و هر دو فقط ایدئال‌ها و رهبرانی داشتند.^(۱۱۴) این در حالی بود که آرینز هیچ‌گونه اقدام اساسی در راستای بهبود این وضعیت انجام نداد.

شیلی (دولت آینده / نوامبر ۱۹۷۰ تا سپتامبر ۱۹۷۳)

کارکرد تنظیمی

اعمال حاکمیت بر منابع طبیعی از طریق ملی کردن و قطع دخالت شرکت‌های خارجی در امور داخلی شیلی را می‌توان مهم‌ترین بعد توانایی تنظیمی دولت آینده برای کنترل امور دانست. در این زمینه می‌توان به خلع ید از بانک‌های بزرگ و

1. Readers Digest
2. Revolutionary Action Party (P.A.R)
3. Revolutionary Workers Party of Guatemala (P.R.G)

همچنین ملی کردن شرکت‌های مس کنکات، آناکوندا و شرکت ای.تی.تی. اشاره کرد. بر اساس قیمت‌های مکتوب سال ۱۹۷۰ و نیز دارایی‌ها، مالیات‌های معوقه، بدهی‌ها و نرخ افزایش بهره این سال، در نوامبر ۱۹۷۱ آئنده اعلام کرد بر اساس این محاسبات دولت شیلی به شرکت‌های آناکوندا و کنکات هیچ بدهی پولی ندارد. البته به شرکت‌های کوچک‌تر خسارت پرداخت شد.^(۱۱۵) همچنین آئنده کمپانی ای.تی.تی. را در شیلی با گماشتن یک مدیر دولتی بر آن تحت کنترل درآورد. مذاکرات فراوانی برای توافق بر سر پرداخت غرامت جریان یافت.^(۱۱۶) ای.تی.تی. ۱۵۳ میلیون دلار و آئنده ۲۴ میلیون دلار را بابت ملی کردن پیشنهاد کردند^(۱۱۷) اما آئنده به دلیل سوءنیت و مداخله‌جویی ای.تی.تی. مذاکراتش را با این کمپانی قطع کرد و از کنگره خواست که بدون پرداخت غرامت، این کمپانی را ملی کند؛^(۱۱۸) روندی که واکنش جدی این شرکت را برانگیخت.

خارج ساختن معادن مس و شرکت‌ها از کنترل خارجی‌ان هرچند از موارد درخشان کارنامه دولت آئنده از لحاظ کارکرد تنظیمی است اما دست‌کم از سه جهت این کارکرد با چالش روبه‌رو شد:

۱. اعتصاب‌ها: مانند اعتصاب کامیون‌داران در اکتبر ۱۹۷۲، اعتصاب کارکنان ال تنینت^۱ (دومین معدن مس در شیلی) و دومین اعتصاب کارکنان ال تنینت در ژوئیه - اوت ۱۹۷۳.^(۱۱۹) وقتی اعتصاب کامیون‌داران روی داد دولت آن را غیرقانونی اعلام کرد و رهبران آن را به زندان انداخت و خواست کامیون‌ها را ضبط کند ولی دادگاه‌ها از آن حمایت نکردند. دولت نمی‌توانست از پلیس و نیروهای مسلح با قاطعیت و قدرت ضروری استفاده کند.^(۱۲۰) اعتصاب ال تنینت سه ماه به طول انجامید که از آوریل تا ژوئن ۱۹۷۳ بود و مهم است، زیرا حزب دموکرات مسیحی و حزب ملی^۲ از موقعیت بالایی برای استفاده از اعتصاب برخوردار بودند تا پایگاه قدرت دولت را بی‌اعتبار و تولید مس در شیلی را که ارز به آن بستگی داشت، مختل کنند.^(۱۲۱) این رویارویی به اندازه‌ای طولانی شد که ارتش در ۱۱ سپتامبر مداخله کرد.

1. El Teniente
2. Partido Demócrata Cristiano (PDC) and Partido Nacional (PN)

۲. فقدان اکثریت در کنگره: اصولاً دو جناح راست و میانه، به‌ویژه دو حزب دموکرات مسیحی و حزب ملی، اکثریت کنگره را در دوران زمامداری آئنده در اختیار داشتند و اقدامات جبهه خلق را در محاصره خود قرار داده بودند. علاوه بر این، آنان امیدوار بودند در انتخابات کنگره در مارس ۱۹۷۳ بتوانند با تصاحب دو سوم کرسی‌های مجلس دولت آئنده را استیضاح کنند. اما در نهایت با کسب ۵۵ درصد از آرا نتوانستند این اقدام را به ثمر برسانند ولی هنوز از اکثریت برخوردار بودند. در مقابل جبهه خلق توانست ۴۳ درصد آراء را کسب کند، البته این میزان نسبت به قبل چشمگیرتر بود. به‌رغم این مسئله احزاب مخالف پس از انتخابات در تلاش بودند تا به شیوه‌های مختلف، مشروعیت رئیس‌جمهور را زیر سؤال ببرند.^(۱۲۲) به‌طورکلی این عامل یعنی فقدان اکثریت حزبی در کنگره سبب ایجاد تأخیر در تصویب طرح‌های مورد نظر دولت و حتی تصویب قوانینی علیه دولت شد. به عنوان نمونه می‌توان به قانون کنترل سلاح‌ها که کنترل آن را فقط در اختیار نیروهای مسلح قرار می‌داد، اشاره کرد.

۳. عدم کنترل کافی بر نیروهای مسلح: آئنده هرچند به اقداماتی نظیر بازنشستگی اجباری، تغییر فرمانده کل و افزایش حقوق نظامیان دست زد، اما همچنان نیروهایی خارج از کنترل و متمایل به مخالفان دولت و ایالات متحده وجود داشت. علاوه بر این نمی‌توان از ارتشی که تحت ایالات متحده آموزش یافته انتظاری جز حمایت نکردن از دولت موجود را داشت. ایالات متحده در دوره ۱۹۶۹-۱۹۵۰، ۳۹۷۵ نفر از افراد ارتش شیلی را در ایالات متحده و منطقه کانال پاناما آموزش داد و ۸۹ نفر از افسران پلیس شیلی در ایالات متحده آموزش یافتند.^(۱۲۳) همچنین ارتش به عنوان ابزار طبقات بالا عمل می‌کرد.

کارکرد توزیعی

در این زمینه می‌توان به بازتوزیع درآمد و خدمات دولتی به ۶۰ درصد از پایین‌ترین درآمدهای جمعیتی (حاشیه‌نشین‌های شهری، کارگران روستایی و دهقانان) اشاره کرد.^(۱۲۴) در سال اول دولت آئنده به طور متوسط ۳۰ درصد از دستمزدهای کارگران کارخانه‌ها افزایش یافت.^(۱۲۵) علاوه بر این می‌توان به فراهم کردن سازوکارهای

مشارکت کارگران در مدیریت امور جامعه و قطع دست بخش خصوصی از طریق تصاحب اداری حدود ۳۰۰ کارخانه اشاره کرد.^(۱۲۶) در راستای این کارکرد و در واقع اهمیت به عدالت اجتماعی، شیلی بعد از کوبا دومین کشور امریکای لاتین بود که در آن اثری از آسیب‌های اجتماعی مانند بیکاری و بی‌سوادی نبود.^(۱۲۷) علاوه بر این تأمین کالاهای اساسی برای طبقات پایین از سطح مناسبی برخوردار بود. طی یک نظر سنجی که از اهالی سانتیاگو در سال ۱۹۷۲ به عمل آمد، حدود ۷۵ درصد از طبقات پایین، خرید کالاهای اساسی خود را نسبت به ۱۷ درصد از طبقات متوسط و ۱ درصد از طبقات بالا آسان دانستند.^(۱۲۸)

یکی دیگر از وجوه این کارکرد اصلاحات ارضی است. این مهم از آن روست که در این دوران خرده‌مالکان کمتر از ۱۰ هکتار زمین یعنی در مجموع ۱/۴ درصد اراضی مرغوب و قابل کشت را در اختیار خود داشتند، حال آنکه صاحبان کشتزاران بزرگ بیش از یک‌هزار هکتار، در مجموع ۷۳ درصد اراضی مرغوب را به تملک خود درآورده بودند.^(۱۲۹) ضمن آنکه نقش خاص سرخپوستان بومی یعنی بردگی و کار اجباری که در دوران استعمار وجود داشت، در پویش‌های مختلف پس از استقلال نیز ادامه می‌یابد و حتی در قرن بیستم میزان بالایی از محرومیت اجتماعی برای آنان وجود داشت. در نهایت با در نظر گرفتن این شرایط در سال ۱۹۷۰ دولت انقلابی برای حل این مشکلات حمایت از حقوق مردم بومی را که زمین‌های آنان غصب شده بود، اعلام کرد و در صدد برآمد سیستم بزرگ مالکی در شیلی را از بین ببرد. در سال ۱۹۷۳ او تا اندازه زیادی به هدف خود دست یافت و تقریباً بیش از ۸۰ هکتار از مزارع توسط دولت مصادره شد. در حالی که در شش سال گذشته حزب دموکرات مسیحی تنها ۱/۴۴۳ هکتار را مصادره کرد.^(۱۳۰)

یکی از مهم‌ترین چالش‌های دولت آئنده اولویت دادن به کارگران مرد در سیاست‌های بازتوزیعی از لحاظ افزایش دستمزدها، فراهم کردن زمینه‌های مشارکت آنان در مدیریت و امور کارخانه‌ها و اتحادیه‌ها بود و زنان کارگر از وضعیت نامطلوبی نسبت به کارگران مرد برخوردار بودند. همچنین از دیگر موارد منفی این کارکرد می‌توان به اقدامات بازتوزیعی از پایین در تصرف مزارع و کارخانه‌ها و همکاری نکردن دهقانان با شوراهای ملی اشاره کرد که اقدامات گسترده‌تری را از

سوی دولت در جهت بهبود این مشکلات ایجاب می‌کرد.

کارکرد پاسخگویی

در نخستین سال دولت آینده، رشد تولید ناخالص داخلی ۷/۷ درصد، تولیدات ۱۳/۷ درصد و سطح مصرف ۱۱/۶ درصد افزایش یافت.^(۱۳۱) طی یک نظرسنجی در ژانویه ۱۹۷۱، ۶۵ درصد از پاسخ‌دهندگان ساتیاگو رضایت خود را از جبهه خلق آینده اعلام کردند^(۱۳۲) اما پس از یک سال، رشد اقتصادی شیلی متوقف و صادرات عمده شیلی سقوط کرد و تورم از کنترل خارج شد.^(۱۳۳) در ژوئیه ۱۹۷۱ تورم ۴۵/۹ درصد افزایش یافت و در سراسر دوران آینده در سطح بی‌سابقه‌ای ادامه یافت؛^(۱۳۴) روندی که اعتراض‌های گسترده قشر زنان را موجب شد.

بیشتر مورخان و ناظران معتقدند زنانی که مخالف دولت سوسیالیستی سالوادور آلنده بودند از طبقات متوسط و بالا بودند، درحالی‌که زنان طبقه کارگر از آن پشتیبانی می‌کردند. در مارس ۱۹۷۱ بیش از ۵/۰۰۰ نفر از زنان علیه آلنده در سانتیاگو به خیابان‌ها ریخته و نسبت به هرج‌ومرج و کمبود کالاهای اساسی اعتراض کردند. ضمن آنکه در این جریان قابلمه‌های خالی را که نمادی از کمبود مواد غذایی بود در دست داشتند. بحران اقتصادی منجر به تورم ۳۲۳ درصدی در نیمه اول سال ۱۹۷۳ شد که این امر نیز به نوبه خود کمبود عظیم مواد غذایی و دیگر اقلام ضروری خانوار را موجب شد. در نتیجه این کمبود، زنان مجبور بودند در تمام ساعات شبانه‌روز در صف‌های طولانی برای تهیه غذا صبر کنند. گوشت، نان، شیر و بیشتر چیزها سهمیه‌بندی شده بود. علاوه بر این، از آنجاکه زنان بیشتر طرفدار احزاب راست‌گرا بودند تا احزاب سوسیالیست، این بحران بهانه لازم را برای سازماندهی مخالفت آنان علیه دولت توسط احزاب راست‌گرا به‌ویژه حزب دموکرات مسیحی فراهم کرد.^(۱۳۵) در هر صورت در دوران آینده چه در دوره رشد و چه در دوره رکود، طبقات پایین به دلیل سطح پایین توقعات و مصرف کم، برخلاف طبقات متوسط و بالا از عملکرد دولت رضایت داشتند (جدول شماره ۳). در واقع این طبقات متوسط و بالا بودند که با اعتراض‌های خود زمینه‌های سقوط دولت را تسریع بخشیدند.

جدول شماره ۳. میزان رضایت طبقات مختلف از عملکرد دولت آینده (۱۹۷۲)

طبقات پایین	طبقات متوسط	طبقات بالا	درصد کل	میزان رضایت
۲۷ درصد	۱۶ درصد	۶ درصد	۲۱ درصد	خوب
۴۱ درصد	۳۲ درصد	۲۲ درصد	۳۶ درصد	متوسط
۳۲ درصد	۵۲ درصد	۷۲ درصد	۴۳ درصد	بد

Source: James W. Prothro, & Patricio E. Chaparro, "Public Opinion and the Movement of Chilean Coemment to the Left, 1952-72", The Journal of Politics, 1974, p. 38.^(۱۳۶)

کارکرد استخراجی

در راستای این کارکرد، آینده اقدامات مختلفی را با تکیه بر قدرت کارگران انجام داد و همین عامل بعد سوسیالیستی این دولت را پررنگ کرد. به عنوان نمونه زمانی که تظاهرات و اعتصابها موجب فلج شدن بسیاری از امور شده بود بخش اعظم کارگران با وجود آنکه در حدود ۷۰ درصد اتوبوسهای شهری از کار دست کشیده بودند، بر سر کار خود حاضر شدند. آنان برای کمک به دولت بیشتر تولید کردند، تولیدات خود را به طور مستقیم به مردم می فروختند، از کارخانهها مواظبت می کردند که کسی آنها را تصاحب نکند و همچنین بیش از ۷۰ کارخانه و ۳۹ زمین را به طور مستقیم و به دور از مدیریت رؤسا و کارفرمایان اداره کردند.^(۱۳۷) اما آینده در بسیج مردم به ویژه کارگران اقدامات جدی به عمل نیامد. به گفته دبره «از سال ۱۹۷۰ تا ۱۹۷۲ هیچ کارگری حتی در میان آگاهترین و پیشاهنگترین اقشار پرولتاریای شیلی وجود نداشت که به ضروری بودن یا مطلوب بودن مسلح شدن فکر کند. آشکار است که حکومت به نیرو و جنگندگی طبقه کارگر بدان اندازه که آنها دارای آن بودند، متوسل نشد..... قبل از ۱۱ سپتامبر ۱۹۷۳ تنفر بورژوازی شیلی از کارگران بیش از تنفر کارگران نسبت به بورژوازی بود.» به گفته دبره شاید یکی از عوامل این امر مربوط به قانون کنترل تسلیحات بود.^(۱۳۸) این قانون مانعی برای تجهیز و مسلح شدن کارگران بود. با کشف این سلاحها در دست کارگران بهانه لازم برای سرکوب آنان فراهم می شد.

کارکرد استخراجی دولت آینده در حوزه مالیات ستانی نیز عملکرد درخشانی نداشت. به عنوان نمونه اگرچه بیشتر ثروت شیلی در دست تعداد اندکی متمرکز

شده بود، اما آنها هرگز در طول تاریخ جمهوری، مشمول مالیات قابل ملاحظه‌ای در جهت حمایت از دولت نبودند^(۱۳۹) و حتی دولت آئنده نیز نتوانست اقدامات جدی‌ای در گرفتن مالیات از ثروتمندان به عمل آورد.

کارکرد نمادین

همانند دولت‌های مصدق و آربنز، ماهیت ناسیونالیستی مهم‌ترین وجه نمادین دولت آئنده محسوب می‌شد. در برنامه جبهه وحدت ملی شیلی که در رأس آن آئنده قرار داشت بهبود سطح زندگی ملت و تحکیم اقتصاد ملی و مبارزه با امپریالیسم امریکا طلب می‌شد.^(۱۴۰) دولت آئنده مصمم به قطع دخالت و نفوذ قدرت‌های خارجی و یادی استعماری داخلی آنها یعنی شرکت‌های خارجی مس و به‌ویژه شرکت ای.تی.تی بود که از دهه دوم و سوم قرن بیستم، به یک قدرت عظیم در شیلی تبدیل شده بودند. ملی کردن و مصادره این شرکت‌ها توسط دولت موجب شد که مردم شیلی در کنترل منابع داخلی خود سهیم شوند و به تدریج زمینه‌های بهبود وضعیت کارگران و افزایش دستمزد آنان، فراهم شدن سازوکارهای مدیریت آنان در جامعه به‌ویژه در کارخانه‌ها، سلب مالکیت از فئودال‌های بزرگ، و تأمین عدالت اجتماعی در زمینه‌های آموزش، بهداشت و اشتغال فراهم شود. آئنده از همان آغاز زمامداری در صدد بود اهداف ناسیونالیستی خود را با اتکای بر همه گروه‌ها و احزاب انجام دهد. وی در طی مصاحبه‌ای برپایی دیکتاتوری طبقه کارگر و سیستم تک‌حزبی را نفی کرد و خود را کاندیدای جبهه خلق نامید.^(۱۴۱) اما بعد افتراق و اختلاف این جبهه بر ائتلاف و وحدتش غالب‌تر بود و همبستگی ملی که اساس ناسیونالیسم را تشکیل می‌دهد با چالش مواجه شد و در نهایت زمینه‌های سست شدن پایه‌های دولت آئنده را فراهم کرد. حزب اتحاد مردمی از شش حزب سیاسی یعنی حزب سوسیالیست، کمونیست، رادیکال، جنبش اتحاد برای اقدام مردمی، حزب سوسیال دموکرات و حزب مستقل اقدام مردمی، با قدرت انتخاباتی، زمینه‌های اجتماعی و ایدئولوژی مختلف تشکیل شده بود. در این ائتلاف، هر حزبی - برای مثال در امر تصمیم‌گیری و تبلیغات - ساختار درونی خود را حفظ کرده بود. فرمول یک حزب - یک رأی، عملاً رعایت نمی‌شد. رهبران حزب به طور انفرادی

می‌توانستند با نظرات رئیس‌جمهور مخالفت کنند؛^(۱۴۲) روندی که به انشعاب‌های عمیق در داخل حزب انجامید. در واقع ضعف نمادین دولت آینده در این بود که نتوانست زمینه‌های اختلاف‌ها و سوء تفاهم‌های حزبی را رفع کند و دیگر اینکه در اتخاذ و تفهیم ایدئولوژی واحد حزبی یعنی گذار مسالمت‌آمیز به سوسیالیسم ناموفق بود. تا جایی که جناح رادیکال مخالف مواضع مسالمت‌آمیز دولت بود و انقلاب طبقه کارگر را در نظر داشت که این امر نیز به نوبه خود بر شدت اتهام کمونیستی بودن دولت و ایجاد چالشی دیگر در زمینه کارکرد نمادین می‌افزود. ضمن آنکه اقداماتی مانند دعوت فیدل کاسترو به شیلی در سال ۱۹۷۲ و اجازه اقامت سه‌هفته‌ای به او^(۱۴۳) و سفر به اتحاد شوروی پس از سخنرانی در مجمع عمومی سازمان ملل در دسامبر ۱۹۷۲،^(۱۴۴) همگی اقداماتی بودند که خطر کمونیسم را در نظر ایالات متحده نمایان نمود؛ درحالی که دولت آینده از مقابله جدی در جهت رفع این اتهام‌ها خودداری ورزید.

۳. عوامل خارجی

جدول شماره ۴. مقایسه نقش عوامل خارجی در وقوع کودتا

کشور	ایران	گواتمالا	شیلی
عوامل کودتا	انگلیس - ایالات متحده و ایادی استعماری داخلی	ایالات متحده - شرکت متحده میوه	ایالات متحده - کمپانی ای.تی.تی
اقدامات	<ul style="list-style-type: none"> - اقدامات حقوقی - تهدید نظامی و فشارها - تحریم‌های اقتصادی - تبلیغات گسترده (اتهام نفوذ کمونیست‌ها) - ایجاد هرج و مرج و آشوب‌های داخلی - جذب افسران ارتش 	<ul style="list-style-type: none"> - اقدامات حقوقی - فشارها و تحریم‌های اقتصادی - تبلیغات گسترده (اتهام نفوذ کمونیست‌ها) - ایجاد هرج و مرج و آشوب‌های داخلی - جذب افسران ارتش - حملات نظامی 	<ul style="list-style-type: none"> - اقدامات حقوقی - فشارها و تحریم‌های اقتصادی - تبلیغات گسترده (اتهام نفوذ کمونیست‌ها) - ایجاد هرج و مرج و آشوب‌های داخلی - جذب افسران ارتش

موضع اتحاد جماهیر شوروی	حمایت نکردن از دولت موجود	حمایت نکردن از دولت موجود	حمایت نکردن از دولت موجود
فرجام کودتا	زندانی و تبعید مصدق، حکومت نظامی زاهدی	استعفای آربنز، حکومت نظامی کاستیلو آرماس	کشته شدن آئنده، حکومت نظامی آگوستو پینوشه

ایران (کودتای اوت ۱۹۵۳)

پس از ملی شدن صنعت نفت، دولت بریتانیا به اقدامات مختلفی مانند فشارهای حقوقی و دیپلماتیک در قالب شکایت به دیوان بین‌المللی لاهه در ۴ خرداد ۱۳۳۰، اعزام هیئت نمایندگی به سرپرستی جکسون در ۲۰ خرداد ۱۳۳۰، اعزام هیئت نمایندگی به سرپرستی استوکس در ۱۲ مرداد ۱۳۳۰ و شکایت به شورای امنیت در ۵ مهرماه ۱۳۳۰ مبادرت ورزید. البته در بُعد اقدامات دیپلماتیک همگامی ایالات متحده امریکا را نیز با خود به همراه داشت که به عنوان نمونه می‌توان به پیشنهاد مشترک نفتی از سوی ترومن و چرچیل در ۸ شهریور ۱۳۳۰ اشاره کرد. علاوه بر این بریتانیا به یکسری تهدیدهای نظامی مانند اعزام رزم ناو «موریشسن»^۱ و دو کشتی موسوم به «ورن» و «فلامینگو»^۲ به آب‌های مجاور ساحل ایران و اعزام چهار کشتی جنگی در اوایل مرداد ۱۳۳۰ در مقابل آبادان مبادرت ورزید.^(۱۴۵) فشارهای اقتصادی، تبلیغاتی و ایجاد آشوب‌های داخلی نیز به صورت گسترده‌ای در جریان بود. شرکت نفت ایران و انگلیس به تدریج از میزان تولید نفت خود کاست و مانع از بارگیری نفتکش‌ها در آبادان شد.^(۱۴۶) همچنین اعلام داشت علیه هرکسی که بکوشد نفت ایران را خریداری کند دست به اقدامات قانونی خواهد زد.^(۱۴۷) دولت ایالات متحده نیز از اعطای کمک به ایران خودداری ورزید و به انگلیسی‌ها در اعمال تحریم اقتصادی علیه ایران کمک کرد.^(۱۴۸) ضمن آنکه تبلیغات گسترده‌ای نیز علیه دولت مصدق در جریان بود. به عنوان نمونه افرادی همچون نرن و سیلی دو تن از ایرانیان وابسته به عملیات بدامن^۳ سالی یک میلیون دلار از سیا می‌گرفتند تا مقاله و

1. Mauritius
2. Wren and Flamingo
3. Bedamn

کتاب ضد کمونیستی بنویسند. همچنین به روزنامه‌های مخالف مصدق پول داده شد تا مقاله‌هایی علیه او منتشر کنند و دست‌اندرکاران رادیو را نیز با پول خریدند.^(۱۴۹) در نهایت آخرین گام همکاری مشترک میان بریتانیا و ایالات متحده، در انجام کودتای نظامی علیه دولت مصدق نمایان شد که می‌توان به همکاری مشترک میان *وودهاوس* و *روزولت* اشاره کرد. از نظر *وودهاوس* (رئیس سازمان جاسوسی انگلیس)، «عملیات چکمه^۱ که امریکایی‌ها آن را عملیات آژاکس^۲ می‌خوانند... بستگی مستقیم به وجود یک فرمانده... در محل خواهد داشت که این شخص باید امریکایی باشد، زیرا در آن شرایط هیچ شخصیت بریتانیایی نمی‌توانست وارد ایران شود. تنها شخصیت مناسب برای انجام این امر روزولت بود».^(۱۵۰) در نهایت کرمیت روزولت به عنوان سرفرماندهی عملیات انتخاب شد.

اولین طرح مشترک انگلیسی - امریکایی یعنی کودتای ۲۵ مرداد ۱۳۳۲ به شکست انجامید. به دنبال این شکست شاه در ۲۵ مرداد ابتدا به بغداد و سپس به رم رفت.^(۱۵۱) این شکست سبب شد که روزولت طرح دوم خود را اجرا کند. در این مورد ابتدا گروه سیا کوشید در نیروهای مسلح پشتیبانانی برای زاهدی دست‌وپا کند. اعلامیه‌ای منتشر و توزیع شد که طی آن درخواست شده بود ارتش از شاه پشتیبانی کند.^(۱۵۲) سپس نرن و سیلی دسته‌های متعددی را با همکاری *برادران رشیدیان* اجیر کردند و روز ۱۷ اوت (۲۶ مرداد) با سر دادن شعارهای حزب توده و حمل آرم‌هایی که در آن شاه تقبیح و سرزنش شده بود، در خیابان‌های تهران به راهپیمایی پرداختند. این جمعیت توده‌قلابی وظیفه داشت با ایجاد بیم و هراس از خطر به قدرت رسیدن توده‌ای‌ها، موقعیت زاهدی را تقویت کنند و طولی نکشید که اعضای واقعی حزب توده بی‌خبر از نقش سیا در ایجاد این تظاهرات و هدف آنها به صفوف تظاهرکنندگان پیوستند.^(۱۵۳) اما جرقه‌ای که آتش را برافروخت دیپلماسی ارتشاءمحور هندرسن مبنی بر پاکسازی خیابان‌ها توسط ارتش برای حفظ امنیت امریکایی‌ها بود. مصدق نیز در حضور هندرسن به فرماندار نظامی تهران تلفن کرد و به او دستور داد تا از نیروهای لازم برای پاکسازی خیابان‌ها استفاده کند.^(۱۵۴) سپس

1. Operation Boot
2. Operation Ajax

مخالفان مصدق با پخش فرمان عزل مصدق و نخست‌وزیری زاهدی شعارهایی در حمایت از شاه سر دادند؛ روندی که به امتنای تیپ سلطنت‌طلب برای مقابله با آن و خارج شدن کنترل اوضاع از دست سرتیپ ریاحی منجر شد.^(۱۵۰) سرانجام با محاصره خانه نخست‌وزیر، کودتاچیان به اهداف خود نائل می‌شوند و حکومت نظامی فضل‌الله زاهدی با تشکیل کنسرسیوم نفتی و رابطه گسترده با غرب بر تمام دستاوردها و اقدامات گذشته خط بطلانی می‌کشد و دکتر مصدق نیز پس از سه سال زندانی تا آخر عمر (۱۳۴۵) در روستای احمد آباد تحت کنترل قرار می‌گیرد.

گواتمالا (کودتای ژوئن ۱۹۵۴)

در اوت ۱۹۵۳ پرزیدنت آیزنهاور طرح سرنگونی آربنز را به طور مشترک با سازمان سیا و وزارت امور خارجه تصویب کرد. در زمینه اقدامات حقوقی در مارس ۱۹۵۴ در کنفرانس کشورهای امریکایی در کاراکاس، جان فاستر دالس وزیر امور خارجه امریکا، اعضای این کنفرانس را زیر فشار قرار داد تا این اقدام کمونیستی را که همان خلع ید از کمپانی امریکاست، به شدت محکوم کنند.^(۱۵۶) در جبهه اقتصادی نیز اقدامات مختلفی از قبیل قطع اعتبارهای خارجی اتخاذ شد. مقایسه این وضعیت با سال‌های قبل و بعد از دولت آربنز روشن‌گرانه‌تر خواهد بود (جدول شماره ۵).

جدول شماره ۵. کمک‌های ایالات متحده به گواتمالا ۱۹۴۸-۱۹۵۶ (میلیون دلار)

سال	۱۹۴۸	۱۹۴۹	۱۹۵۰	۱۹۵۱	۱۹۵۲	۱۹۵۳	۱۹۵۴	۱۹۵۵	۱۹۵۶
میزان	۱.۷/۲.۳	۲.۹/۴.۲	۱.۷/۲.۵	۰.۷/۰.۹	۱.۱/۱.۴	۰.۲/۰.۳	۰.۲/۰.۳	۱۳.۲/۱۰.۱	۴۳.۰/۳۴.۴

Source: Alan McPherson, "Guatemala, United States Assistance, and the Logic of Cold War Dependency", (1996).^(۱۵۷)

اما نبوغ امریکا به بهترین نحو در عرصه تبلیغات نمایان شد. سازمان اطلاع‌رسانی ایالات متحده بیش از ۱۰ هزار نسخه از اطلاعیه‌ای با عنوان «وقایع‌نگاری کمونیسم در گواتمالا» را به علاوه ۲۷ هزار نسخه مضحک قلمی و پوستر در نیمکره غربی پخش کرد.^(۱۵۸) سیا/آلبرت هانی^۱ را از مأموریت خود از کره فراخواند؛ بودجه‌ای

نزدیک به ۶/۰۰۰/۰۰۰ دلار تصویب، صد افسر ماهر استخدام و به تأسیس دفتر مرکزی در میامی و تقویت ارتش آزادی‌بخش ملی^۱ به فرماندهی کاستیلو آرماس اقدام کرد.^(۱۰۹) سیا یک ایستگاه رادیویی مخفی را برای اجرای تبلیغات راه‌اندازی کرد و تمام ایستگاه‌های گواتمالا را مسدود و خلبانان ماهر امریکایی را برای انفجار بمب در نقاط استراتژیک شهر گواتمالا استخدام کرد.^(۱۱۰)

از سوی دیگر سفیر ایالات متحده پوریشوی^۲ و کارکنان سفارت با بیشتر عناصر ناراضی در تماس بودند. تحلیلگران ایالات متحده متوجه شدند توانایی آربنز در تأمین حمایت افسران نیروهای نظامی گواتمالا محل تردید است. آنها نتیجه گرفتند این امر می‌تواند جرعه کودتا باشد. این وظیفه به عهده کاستیلو آرماس که در زمان کودتای نافرجام ۱۹۴۹ به هندوراس تبعید شده بود، واگذار شد. آرماس از هر طریق ممکن باید به واژگون کردن وفاداری ارتش به دولت آربنز می‌پرداخت. هندوراس به پناهگاه دشمنان آربنز تبدیل شده بود. همچنین تماس‌ها و کمک‌های مالی /ایدیگوراس^۳ در السالوادور، رژیم سوموزا^۴ در نیکاراگوئه و برخی از کمک‌های کشورهای دیگر به آرماس، مانند پاناما و جمهوری دومینیکن در سرنگونی دولت آربنز نقش مهمی ایفا کرد. سپس در ژوئن ۱۹۵۴ سازمان سیا به پخش فرستنده‌های رادیویی در جهت تبلیغ از کاستیلو آرماس و خنثی کردن ارتش مبادرت ورزید.^(۱۱۱)

سرانجام با ورود تبعیدشدگان مسلح گواتمالایی در خاک گواتمالا، هواپیماهای اف ۴۷ که خلبانان ایالات متحده هدایتش می‌کردند، گواتمالا را بمباران کردند.^(۱۱۲) ارتش گواتمالا نیز خواستار استعفای آربنز شد و در نهایت این اتفاق رخ داد. سپس دوران حکومت نظامی کاستیلو آرماس آغاز می‌شود که بر تمام دستاوردهای عظیم دولت آربنز از جمله تقسیم اراضی و مبارزه با شرکت متحده میوه مهر باطلی می‌زند.

در نهایت وقتی فاش شد دفتر حقوقی جان فاستر دالس در سال‌های ۱۹۳۰ و

1. Ejercito de Liberacion Nacional
2. Peurifoy
3. Ydigoras
4. Somoza

۱۹۳۶ پیش‌نویس قرارداد شرکت متحده میوه و دولت گواتمالا را تهیه کرده بود و آلن دالس رئیس سازمان سیا مدیر عامل شرکت متحده میوه بوده است،^(۱۶۳) همگی حکایت از آن داشت که این شرکت نقش محوری در پیروزی این کودتا داشت که «عملیات کامیاب» نام گرفته بود.

شیلی (کودتای سپتامبر ۱۹۷۳)

اسناد و شواهد زیادی به همکاری ایالات متحده و شرکت ای. تی. تی در کودتای ۱۹۷۳ اشاره دارد. در مورد اقدامات حقوقی به دلیل توسعه حقوق بین‌الملل در مواردی همچون حمایت از کشورهایی که در آن سرمایه‌گذاری خارجی انجام شده و همچنین پذیرفتن اصل ملی شدن سرمایه‌های خارجی که در اعلامیه‌هایی همچون رأی دادگاه لاهه در ۵ فوریه ۱۹۷۰ در مورد مسئله شرکت «بارسلونا تراکشن» و تصویب سرمایه‌گذاری‌های خارجی توسط گروه آندین (اکوادور، کلمبیا، شیلی، بولیوی، آرژانتین و پرو) در ۱۷ ژوئیه ۱۹۷۱ تجلی یافت، شرکت‌های خارجی در شیلی و ایالات متحده برای اعمال فشارهای حقوقی علیه دولت آلنده در تنگنا قرار گرفتند. اما تا جایی که امکان داشت آنها با استفاده از این اهرم یعنی اقدامات حقوقی در صدد بودند دولت شیلی را تحت فشار قرار دهند. به عنوان نمونه در دوازدهمین اجلاس شورای تجارت و توسعه سازمان ملل که از ۳ تا ۲۵ اکتبر ۱۹۷۲ در جریان بود و در این زمینه قطعنامه‌ای مبنی بر پذیرفتن حاکمیت تمام کشورها در استفاده آزادانه از منابع طبیعی‌شان در جهت توسعه ملی تصویب شد، ایالات متحده به آن رأی مخالف داد.^(۱۶۴) سپس مدیران ای. تی. تی مانند جنین به فشارهای اقتصادی متشبت شدند. طرح منزوی کردن اقتصاد شیلی به جریان افتاد. وام‌هایی که قرار بود به شیلی پرداخت شود به تدریج متوقف و کمک‌های مالی به این کشور نیز قطع شد.^(۱۶۵) علاوه بر کاهش کمک‌های ایالات متحده و مؤسسه‌های مالی وابسته به آن می‌توان به کاهش کمک‌های سازمان‌های بین‌المللی نیز اشاره کرد (جدول شماره ۶).

جدول شماره ۶. کمک‌های ایالات متحده امریکا و سازمان‌های بین‌المللی به شیلی ۱۹۶۲-۱۹۷۴ (میلیون دلار)

سال	۱۹۷۴	۱۹۷۳	۱۹۷۲	۱۹۷۱	۱۹۷۰	۱۹۶۹	۱۹۶۸	۱۹۶۷	۱۹۶۶	۱۹۶۵	۱۹۶۴	۱۹۶۳	۱۹۶۲
کمک‌های اقتصادی امریکا	۹/۸	۶/۸	۷/۴	۸/۶	۲۹/۶	۸/۸	۹۷/۱	۲۶/۴	۱۱/۹	۳/۴	۱۱/۱	۸۵/۳	۷۹/۱
بانک صادرات و واردات امریکا	۹۸/۱	۳/۱	۱/۶	-----	۳/۳	۲۸/۷	۱۴/۲	۲۳۴/۹	۰/۱	۸/۲	۱۵/۳	۱۶/۲	۰/۸
سازمان‌های بین‌المللی	۲/۱	۹/۴	۸/۲	۱۵/۴	۷۶/۱	۴۹/۰	۱۹/۴	۹۳/۸	۷۲/۰	۱۲/۴	۴۱/۴	۳۱/۲	۱۸/۷
بانک جهانی	۱۳.۵	-----	-----	-----	۱۹.۳	۱۱.۶	-----	۶۰.۰	۲.۷	۴.۴	۲۲.۶	-----	-----

Source: Church Report, "Covert Action in Chile 1963-1973", (U.S. Government Printing Office, 1975).^(۱۶۶)

علاوه بر تحریم‌های اقتصادی، ایجاد هرج و مرج، بمب‌گذاری در اماکن عمومی و تبلیغات گسترده در جهت کمونیستی بودن دولت در دستور کار قرار گرفت. کوری (سفیر ایالات متحده در شیلی) در پاسخ به کسینجر (مشاور امنیت ملی نیکسون) مبنی بر بررسی ایجاد یک کودتای نظامی در شیلی پاسخ داد: «چنین به نظر می‌رسد که ارتش شیلی برای سد کردن راه قدرت آینده از جایش تکان نخواهد خورد، مگر در صورتی که خشونت و هرج و مرج در سطح کشور توسعه یابد».^(۱۶۷) در این زمینه بیش از ۵۰۰ عملیات تروریستی در ماه قبل از کودتا به اجرا درآمد.^(۱۶۸) همچنین یکی از اقدامات کلیدی سنای ایالات متحده در مقابل دولت سوسیالیستی آینده، بسیج زنان^(۱۶۹) و اعتصاب کامیون‌داران بود.

علاوه بر این، ابزارهای امپریالیسم امریکا به‌ویژه روزنامه‌های نیویورک تایمز و ال مرکوریو^۱ از هیچ‌گونه اقدامی در جهت کمونیست قلمداد کردن دولت دریغ نمی‌ورزیدند. در نهایت پس از ربودن *ژنرال اشنایدر* که مدافع دولت بود سازمان سیا با تبلیغات گسترده در پی جذب افسران ارتش برآمد. پس از کودتای نافرجام ۲۹ ژوئن ۱۹۷۳، کودتای ۱۱ سپتامبر ۱۹۷۳ با اعزام سربازان نیروهای دریایی شیلی

به سانتیاگو، از بندر والپارائیسو^۱ واقع در ساحل اقیانوس آرام آغاز شد. در این حین کشتی‌های نیروی دریایی ایالات متحده ظاهراً به منظور انجام مانور مشترک با نیروی دریایی شیلی در آب‌های ساحلی این کشور حضور داشتند و در همان حال ۳۲ فروند هواپیمای تجسسی و جنگنده امریکایی در پایگاه هوایی ایالات متحده در مندوزا^۲، آرژانتین، در فاصله‌ای اندک از مرز شیلی فرود آمدند.^(۷۰) در نهایت با حضور تانک‌ها در خیابان‌ها و محاصره کاخ ریاست‌جمهوری، آئنده درحالی‌که با تعدادی کمی از نیروهای مسلح در حال دفاع بود، کشته می‌شود و سپس با روی کار آمدن حکومت نظامی آگوستو پینوشه بر تمام اقدامات آئنده خط پایانی کشیده می‌شود.

نتیجه‌گیری

امپریالیسم خارجی با اقدامات مختلفی مانند اقدامات حقوقی، تهدید نظامی، فشارها و تحریم‌های اقتصادی، تبلیغات گسترده، ایجاد هرج و مرج و آشوب‌های داخلی و جذب افسران ارتش موجبات اختلال کارکردی دولت‌های مصدق، آربنز و آئنده را در جهت فروپاشی آنها فراهم نمود. در این راستا عملکرد اصلاح‌طلبانه این دولت‌ها در جهت تقویت پایه‌های مردمی حکومت خود، همگی در جهت کمونیستی بودن قلمداد شده و لذا اقدامات مختلفی علیه دولت‌های مزبور صورت می‌گرفت. در واقع کمونیسم‌هراسی راحت‌ترین وسیله ایالات متحده در راستای حفاظت از منافع خود در این کشورها بوده است. از منظر این پژوهش، صبغه خارجی یعنی نقش دولت‌های انگلیس و ایالات متحده تنها عامل وقوع کودتا علیه دولت‌های مذکور بوده است. بدون این عامل، هیچ کودتایی رخ نمی‌داد. تنها عامل تسریع‌بخش این براندازی را می‌توان برخی از کارکردهای منفی دولت‌های مذکور دانست. فشارها و اقدامات قدرت‌های خارجی مهم‌ترین علت ایجاد چالش در کارکردهای این دولت‌ها بود، ضمن اینکه از دست دادن برخی از فرصت‌های باقی‌مانده توسط این سه دولت نیز تسهیل‌بخش عوامل خارجی در وقوع کودتا بود.

اصولاً کارکردهای مختلف تنظیمی، توزیعی، پاسخگویی، استخراجی و نمادین

از ویژگی‌های مشترک هر سیستم سیاسی و در اینجا دولت‌های مصدق، آربنز و آئنده محسوب می‌شود. از مهم‌ترین وجوه مشترک کارکردی این دولت‌ها می‌توان به خارج کردن امکانات و سرمایه‌های کشور از دست کشورها و شرکت‌های خارجی یعنی کارکرد تنظیمی اشاره کرد. آنچه مهم است شدت و ضعف این کارکردهاست. به عنوان نمونه می‌توان گفت کارکرد توزیعی یعنی تقسیم زمین میان دهقانان در دولت آربنز و همین کارکرد با وجوهی از عدالت اجتماعی (اشتغال، آموزش، بهداشت) و همچنین اهمیت به طبقه کارگر در سیاست‌های بازتوزیعی دولت آئنده پررنگ‌تر بوده است. ضمن آنکه کارکرد توزیعی دولت‌های مذکور به نوبه خود بر کارکرد استخراجی این دولت‌ها از حیث تأمین پایگاه اجتماعی نیز تأثیرگذار بوده و صبغه‌هایی از ماهیت پوپولیستی و سوسیالیستی را برای آنان نمایان ساخته است. در آن سو به نظر می‌رسد کارکرد استخراجی (بعد مادی) یعنی موفقیت در اقتصاد بدون نفت در دولت مصدق از صبغه پُررنگ‌تری برخوردار بوده است.

اما مشکلاتی در زمینه کارکرد پاسخگویی و ضعف در کارکرد تنظیمی (در بعد داخلی)، یعنی عدم برخورد جدی با اغتشاش‌ها و تظاهرات و فقدان کنترل بر نیروهای مسلح و همچنین کارکرد استخراجی (بعد انسانی) یعنی بسیج نکردن مردم در مقابله با کودتاچیان و همچنین ضعف در کارکرد نمادین، زمینه‌های کودتا علیه این دولت‌ها را تسریع بخشید. از میان سه عامل اخیر، در مورد دولت مصدق ضعف نمادین آن یعنی رفع نکردن اختلاف با جناح مذهبی از اهمیت بیشتری برخوردار است. اقدام در جهت رفع اختلاف با این جناح یعنی آیت‌الله کاشانی می‌توانست اثرات منفی دیگر کارکردها را نیز کاهش دهد و بر دوام دولت بیفزاید. در مورد گواتمالا و شیلی نیز چالش در زمینه کارکرد استخراجی یعنی بسیج نکردن گسترده طبقات پایین و طبقه کارگر، قابل توجه‌تر است. این مهم از آن روست که برخورداری از حمایت طبقات پایین و روستایی در دولت آربنز و طبقات کارگر در دولت آئنده به ترتیب جنبه‌هایی از ماهیت پوپولیستی و سوسیالیستی را برای این دولت‌ها فراهم ساخته درحالی‌که این دولت‌ها از این اهرم برای مقابله با کودتاچیان به درستی استفاده نکردند.

طی این پژوهش سعی شد تا ضمن استفاده از نظریه توانایی‌های سیستم

سیاسی آلموند و پاول بر ضعف اصلی این نظریه یعنی بی‌توجهی به نقش عوامل خارجی در ایجاد چالش‌های کارکردی غلبه شود. در واقع کارکردهای سیستم سیاسی در کشورهایی که تحت نفوذ و دخالت قدرت‌های بزرگ هستند نمی‌تواند مسیر اصلی خود را طی کند و همین امر انتقاد عمده‌ای را به نظریه آلموند و پاول وارد می‌کند که از فشارهای خارجی وارد شده بر سیستم سیاسی غفلت ورزیده و به طور جدی به آن نپرداخته‌اند. *



پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی
پرتال جامع علوم انسانی

پی‌نوشت‌ها

۱. میر طیب موسوی، *ارتش و سیاست (از نظر تا عمل)*، (تهران: انتشارات مردم‌سالاری، ۱۳۸۳)، ص ۲۲۱.
۲. علیرضا ازغندی، *ارتش و سیاست*، (تهران: انتشارات قومس، ۱۳۷۴)، ص ۶۴.
۳. موسوی، پیشین، ص ۱۶۹.
۴. سی. ایچ. داد و م. گ. اشمیت و دیگران، *مراحل و عوامل و موانع رشد سیاسی*، مترجم: عزت‌الله فولادوند، (تهران: انتشارات ماهی، ۱۳۸۶)، ص ۸۳.
۵. توماس اچ. گرین، *جنبش‌های انقلابی معاصر (در جست‌وجوی نظریه انقلاب)*، مترجم: رشید شایگان‌پور، (اهواز: انتشارات رسش، ۱۳۸۷)، ص ۲۰۷.
۶. آلن ر. بال و ب. گای پیترز، *سیاست و حکومت جدید*، مترجم: عبدالرحمن عالم، (تهران: انتشارات قومس، ۱۳۸۴)، ص ۳۰۹.
۷. موسوی، پیشین، ص ۱۸۸.
۸. ازغندی، پیشین، صص ۶۹-۷۱.
۹. برتران بدیع، *توسعه سیاسی*، مترجم: احمد نقیب‌زاده، (تهران: انتشارات قومس، ۱۳۸۳)، ص ۵۸.
۱۰. گابریل ا. آلموند، جی. بینگهام پاول و دیگران، *چهارچوبی نظری برای بررسی سیاست تطبیقی*، مترجم: علیرضا طیب، (تهران: انتشارات مرکز آموزش مدیریت دولتی، ۱۳۷۶)، ص ۲۳۱.
۱۱. احمد نقیب‌زاده، *درآمدی بر جامعه‌شناسی سیاسی*، (تهران: انتشارات سمت، ۱۳۸۵)، ص ۱۷۰.
۱۲. همان، ص ۱۷۰.
۱۳. جول اس. میگدال، «دولت‌های قوی، دولت‌های ضعیف، قدرت و مطابقت»، درک توسعه سیاسی، به کوشش مایرون واینر و ساموئل پی. هانتینگتون، مترجم: پژوهشکده مطالعات راهبردی، (تهران: انتشارات پژوهشکده مطالعات راهبردی، ۱۳۷۹)، ص ۴۱۵.
۱۴. آلموند و پاول، پیشین، ص ۲۴۲.
۱۵. نقیب‌زاده، پیشین، ص ۱۷۰.
۱۶. علیرضا ازغندی، *درآمدی بر جامعه‌شناسی سیاسی ایران*، (تهران: انتشارات قومس، ۱۳۸۵)،

- صص ۱۹-۳۹.
۱۷. عبدالرضا هوشنگ مهدوی، تاریخ روابط خارجی ایران از ابتدای دولت صفویه تا پایان جنگ دوم جهانی (۱۵۰۰-۱۹۴۵)، (تهران: انتشارات امیرکبیر، ۱۳۸۷)، صص ۴۴۹، ۳۰۴، ۳۰۱، ۲۸۹.
۱۸. ایرج ذوقی، مسائل اقتصادی و سیاسی نفت ایران، (تهران: انتشارات پاژنگ، ۱۳۸۱)، صص ۷۸-۶۳، ۷۵.
۱۹. هوشنگ مهدوی، پیشین، ص ۴۵۱.
۲۰. علیرضا امینی، مسائل سیاسی - اقتصادی نفت ایران، (تهران: انتشارات خط سوم، ۱۳۸۵)، ص ۵۲.
۲۱. سعید میرترابی، مسائل نفت ایران، (تهران: انتشارات قومس، ۱۳۸۵)، صص ۷۰-۶۰.
۲۲. جان فوران، مقاومت شکننده (تاریخ تحولات اجتماعی ایران از صفویه تا سال‌های پس از انقلاب اسلامی)، مترجم: احمد تدین، (تهران: انتشارات مؤسسه خدمات فرهنگی رسا، ۱۳۸۸)، ص ۳۴۵.
۲۳. علیرضا ازغندی، تاریخ تحولات سیاسی و اجتماعی ایران (۱۳۵۷-۱۳۲۰)، (تهران: انتشارات سمت، ۱۳۸۳)، صص ۱۲۰-۱۱۹.
۲۴. فوران، پیشین، صص ۲۰۲، ۱۹۹-۱۹۸.
۲۵. حبیب لاجوردی، اتحادیه‌های کارگری و خودکامگی در ایران، مترجم: ضیاء صدقی، (تهران: انتشارات نو، ۱۳۶۹)، صص ۳۷-۳۶، ۳۴، ۲۴.
۲۶. یرواند آبراهامیان، «قوت‌ها و ضعف‌های جنبش کارگری در ایران در سال‌های ۵۳-۱۹۴۱/۳۱-۱۳۲۰»، مقالاتی در جامعه‌شناسی سیاسی ایران، مترجم: سهیلا توابی فارسانی، (تهران: انتشارات شیرازه، ۱۳۷۶)، صص ۲۲۱-۲۲۰.
۲۷. ازغندی، پیشین، درآمدی بر جامعه‌شناسی سیاسی ایران، ص ۱۴۵.
۲۸. یرواند آبراهامیان، ایران بین دو انقلاب، مترجم: احمد گل محمدی و محمد ابراهیم فتاحی، (تهران: انتشارات نی، ۱۳۸۷)، ص ۱۸۹.
۲۹. جان گراسی، وحشت در امریکای لاتین، مترجم: محمدعلی آقائی پور و محمدعلی صفریان، (تهران: انتشارات خوارزمی، ۱۳۵۷)، صص ۲۳۱-۲۳۰.
۳۰. محمدا میر شیخ‌نوری، پژوهشی درباره نهضت‌های رهایی‌بخش (افریقا، امریکای لاتین و مسئله فلسطین)، (تهران: انتشارات فکر روز، ۱۳۷۱)، ص ۲۳۶.
31. "The United Fruit Company", 2010, at: http://www.mayaparadise.com/united_fruit_company.htm.
۳۲. پ. بایکو، و. بولاوین و دیگران، همه‌چیز درباره امریکای لاتین سرزمین دیکتاتورها (راهنمای

- اقتصادی و سیاسی کشورهای امریکای لاتین)، مترجم: غلامحسین متین، (تهران: انتشارات امیرکبیر و گوتنبرگ، ۱۳۵۰)، ص ۱۰۳.
۳۳. بلانچ وسین کوک، امریکا و جنبش‌های ملی، مترجم: ابراهیم یونسی، (بی‌جا: انتشارات نگارش، ۱۳۶۵)، ص ۱۶۷.
۳۴. گراسی، پیشین، ص ۲۳۲.
35. Piero Gleijeses, "The Death of Francisco Arana: A Turning Point in the Guatemalan Revolution", *Journal of Latin American Studies*, (Cambridge University Press: Oct, 1990), Vol. 22, No.3, p. 534, at: <http://journals.cambridge.org/action/displayAbstract?fromPage=online&aid=3185820&fulltextType=RA&fileId=S0022216X00020940>
۳۶. توماس ملویل و مارجوری ملویل، گواتمالا، ویتنام ثانی، مترجم: احمد کریمی، (تهران: انتشارات امیرکبیر، ۱۳۵۲)، صص ۴۷-۴۶.
۳۷. استفین شلزینگر و استفین کینسر، بازی سرنوشت (جنگ موز در گواتمالا)، مترجم: محمدرضا مباشر، (تهران: انتشارات مباشر، ۱۳۷۲)، صص ۷۱-۷۲.
۳۸. ملویل، پیشین، ص ۵۷.
۳۹. همان، ص ۲۵.
۴۰. هیلبر ایزنار، جغرافیای استعمارزدایی، مترجم: محمود علوی، (مشهد: انتشارات نیکا، ۱۳۷۲)، ص ۵۶.
۴۱. ملویل، پیشین، صص ۲۸-۲۶.
42. Rabert Wasserstrom, "Revolution in Guatemala: Peasants and Politics under the Arbenz Government", *Comparative Studies in Society and History*, (Cambridge University Press: Oct, 1975), Vol. 17, No.4, p. 447, at: <http://journals.cambridge.org/action/displayAbstract?fromPage=online&aid=4409664&fulltextType=RA&fileId=S0010417500007969>.
۴۳. ادواردو گالتانو، شریان‌های باز امریکای لاتین، مترجم: محمد تمیمی عرب، (تهران: مرکز نشر دانشگاهی، ۱۳۷۱)، ص ۳۳۶؛ همچنین: فرناردو آگریا، آئنده روایت یک زندگی، مترجم: محسن اشرفی، (تهران: انتشارات اطلاعات، ۱۳۷۴)، صص ۵۸-۵۷.
۴۴. توماس هاووزر، آئنده اعدام چارلز هورمن، مترجم: شاهرخ عطایی، (بی‌جا: انتشارات آسیا، ۱۳۶۳)، ص ۵۱.
۴۵. الف. ثمربخش، شرکت‌های چندملیتی و استقلال ملی (نمونه شیلی)، (تهران: انتشارات دانشگاه

- ملی ایران، ۱۳۵۸)، ص ۳۱.
۴۶. آلگریا، پیشین، ص ۳۰۸.
۴۷. رژی دیره، سوسیالیسم در شیلی (گفت‌وگو با آلنده)، مترجم: مرتضی اسعدی، (تهران: انتشارات کتاب‌های جیبی، ۱۳۵۸)، صص ۹۹-۱۰۰؛ همچنین: گراسی، پیشین، صص ۱۴۷-۱۴۳.
۴۸. لوئیس هچت اپنهایم، سیاست در شیلی (سوسیالیسم، اقتدارگرایی و دموکراسی بازار)، مترجم: نوذر نظری، (تهران: انتشارات وزارت امور خارجه، ۱۳۸۸)، ص ۴۷.
49. Peter Winn & Cristobal Kay, "Agrarian Reform and Rural Revolution in Allende's Chile", *Journal of Latin American Studies*, (Cambridge University Press: May, 1974), Vol. 6, No.1, p. 137, at: <http://www.jstor.org/stable/156652>.
۵۰. ویلگوس و دسا، تاریخ امریکای لاتین، مترجم: جلال رضایی راد، (تهران: انتشارات امیرکبیر، ۱۳۵۲)، صص ۷۸، ۴۴-۴۳.
۵۱. مارسل نیدرگانگ، بیست کشور امریکای لاتین، مترجم: محمد قاضی، (تهران: انتشارات خوارزمی، ۱۳۵۶)، صص ۲۹۹-۲۹۸، ۲۹۵.
۵۲. دیره، پیشین، صص ۹۸-۹۷، ۴۶.
۵۳. علیرضا ازغندی، روابط خارجی ایران، (تهران: انتشارات قومس، ۱۳۸۴)، ص ۳۳.
۵۴. آبراهامیان، ایران بین دو انقلاب، پیشین، ص ۳۳۰.
۵۵. خاطرات و تالمات دکتر محمد مصدق، به کوشش ایرج افشار، (بی‌جا، بی‌نا، ۱۳۶۴)، ص ۲۳۳.
۵۶. یرواند آبراهامیان، تاریخ ایران مدرن، مترجم: محمد ابراهیم فتاحی، (تهران: انتشارات نی، ۱۳۸۹)، ص ۲۱۶.
۵۷. جیمز اف. گود، سایه مصدق بر روابط ایران و امریکا، مترجم: علی بختیاری‌زاده، (تهران: انتشارات کویر، ۱۳۸۲)، ص ۱۳۵.
۵۸. آبراهامیان، پیشین، ایران بین دو انقلاب، ص ۳۳۶.
۵۹. اسفندیار آهنجیده، از کودتا تا کودتا (از کودتای سوم اسفند ۱۲۹۹ تا ۲۸ مرداد ۱۳۳۲ هـ.ش)، (اصفهان: انتشارات مشعل، ۱۳۸۰)، ص ۲۲۶.
۶۰. مسعود کوهستانی‌نژاد، اختیارات، اصلاحات و لوایح قانونی دکتر محمد مصدق، (تهران: انتشارات نی، ۱۳۸۳)، ص ۴۷۵.
۶۱. محمدعلی همایون کاتوزیان، استبداد دموکراسی و نهضت ملی، (تهران: انتشارات مرکز، ۱۳۸۰)، صص ۱۱۱-۱۱۰، ۱۰۸، ۱۰۶.
۶۲. امیر طیرانی، «هجوم توطئه‌ها و دولت ملی»، مصدق، دولت ملی و کودتا (مجموعه گفت‌وگوها و مقالات تاریخی - سیاسی)، زیر نظر عزت‌الله سبحانی، (تهران: انتشارات طرح نو، ۱۳۸۰)، صص

- ۱۳۹، ۱۳۵.
۶۳. تهماسب طالبی، «علل سقوط دولت دکتر مصدق»، مصدق، دولت ملی و کودتا (مجموعه گفت‌وگوها و مقالات تاریخی - سیاسی)، زیر نظر عزت‌الله سحابی، (تهران: انتشارات طرح نو، ۱۳۸۰)، ص ۳۵۸.
۶۴. غلامرضا نجاتی، سیاسی بیست و پنج ساله ایران (از کودتا تا انقلاب)، جلد اول، (تهران: انتشارات مؤسسه خدمات فرهنگی رسا، ۱۳۷۱)، صص ۶۱، ۵۸.
۶۵. محمدجعفر محمدی، راز پیروزی کودتای ۲۸ مرداد، (تهران: انتشارات اختران، ۱۳۸۵)، ص ۱۸۳.
۶۶. حسن توانایان فرد، دکتر محمد مصدق و اقتصاد، (بی‌جا: انتشارات علوی، ۱۳۶۲)، صص ۲۹۶-۲۶۳، ۲۷۱.
۶۷. حبیب لاجوردی، «حکومت مشروطه و اصلاحات در دوران مصدق»، مصدق، نفت، ناسیونالیسم ایرانی، به کوشش جیمز بیل و ویلیام راجرلوویس، مترجم: عبدالرضا هوشنگ مهدوی و کاوه بیات، (تهران: نشر گفتار، ۱۳۷۲)، ص ۱۳۰.
۶۸. توانایان فرد، پیشین، صص ۲۰۲-۲۰۱.
۶۹. همان، صص ۲۰۲-۲۰۱.
۷۰. کوهستانی‌نژاد، پیشین، ص ۶۱۹.
۷۱. انور خامه‌ای، اقتصاد بدون نفت ابتکار بزرگ دکتر مصدق، (تهران: انتشارات ناهید، ۱۳۷۵)، صص ۱۶۴، ۱۴۰، ۱۱۳-۱۱۲.
۷۲. احمد اشرف و علی بنو عزیری، طبقات اجتماعی، دولت و انقلاب در ایران، مترجم: سهیلا ترابی فارسانی، (تهران: انتشارات نیلوفر، ۱۳۸۷)، صص ۱۳۵-۱۳۴.
۷۳. آبراهامیان، پیشین، ایران بین دو انقلاب، ص ۳۳۹.
۷۴. کوهستانی‌نژاد، پیشین، صص ۷۳۱، ۵۰۸.
۷۵. اشرف و بنوعزیزی، پیشین، ص ۱۳۵.
۷۶. خاطرات و تالمت دکتر محمد مصدق، پیشین، ص ۲۳۶.
۷۷. خاطرات و مبارزات دکتر حسین فاطمی، به کوشش بهرام افراسیابی، (تهران: انتشارات سخن، ۱۳۶۶)، صص ۲۱۲، ۲۱۰.
۷۸. جامی، گذشته چراغ راه آینده است، ویراستار بیژن نیک بین، (تهران: انتشارات نیلوفر، ۱۳۷۱)، صص ۶۱۵، ۶۱۲، ۶۰۱.
۷۹. کاتوزیان، پیشین، ص ۱۱۶.
۸۰. غلامرضا نجاتی، جنبش ملی شدن صنعت نفت ایران و کودتای ۲۸ مرداد ۱۳۳۲، (تهران:

- انتشارات شرکت سهامی انتشار، ۱۳۶۴)، ص ۴۱۵.
- ۸۱ حسین گل بیدی، *آیت‌الله کاشانی و نفت*، (تهران: انتشارات اسلامی، ۱۳۸۰)، ص ۴۱۹.
- ۸۲ محسن نصری، *ایران؛ دیروز، امروز، فردا (تحلیلی بر انقلاب اسلامی ایران)*، (قم: انتشارات معارف، ۱۳۸۷)، ص ۸۳.
- ۸۳ آبراهامیان، *ایران بین دو انقلاب*، پیشین، صص ۳۳۹-۳۴۰.
- ۸۴ همان، ص ۳۴۲.
- ۸۵ محمدرحیم عیوضی، *جامعه‌شناسی سیاسی اپوزیسیون در ایران*، (تهران: انتشارات قومس، ۱۳۸۵)، ص ۵۵.
- ۸۶ روح‌الله حسینیان، *بازخوانی نهضت ملی ایران*، (تهران: انتشارات مرکز اسناد انقلاب اسلامی، ۱۳۸۵)، ص ۳۰۳.
- ۸۷ آبراهامیان، *ایران بین دو انقلاب*، پیشین، ص ۳۳۹.
88. Piero Gleijeses, "The Agrarian Reform of Jacobo Arbenz", *Journal of Latin American Studies*, (Cambridge University Press: Oct,1989) , Vol. 21, No.3, p. 474, at: <http://journals.cambridge.org/action/displayAbstract?fromPage=online&aid=3147432&fulltextType=RA&fileId=S0022216X00018514>.
89. Wasserstrom, Op.Cit., p. 449.
90. "The United Fruit Company", Op. Cit.
۹۱. گراسی، پیشین، ص ۲۳۴.
۹۲. کوک، پیشین، ص ۲۷۲.
۹۳. ملویل، پیشین، ص ۸۶.
۹۴. شلزینگر و کینسر، پیشین، ص ۲۳۲.
95. Jim Handy, "The Most Precious Fruit of the Revolution": The Guatemalan Agrarian Reform, 1952-54", *The Hispanic American Historical Review*, (Cambridge University Press: Oct, 1988) , Vol. 68, No.4, p. 700, at: <http://www.jstor.org/stable/2515678>.
96. "Guatemala's 1952 Agrarian Reform Law: a critical reassessment", 2002, at: http://findarticles.com/p/articles/mi_m0IMR/is_2002_Spring-Summer/ai_92615711/
۹۷. گالتانو، پیشین، ص ۱۲۸.
98. Gleijeses, "The Agrarian Reform of Jacobo Arbenz", Op.Cit., p. 466.
99. Handy, Op.Cit., p. 676.
۱۰۰. شلزینگر و کینسر، پیشین، ص ۷۸.

101. Gleijeses, "The Agrarian Reform of Jacobo Arbenz", Op.Cit., p. 461.
102. Jim Handy, "National Policy, Agrarian Reform, and the Corporate Community During the Guatemalan Revolution, 1944-1954", *Comparative Studies in Society and History*, (Duke University Press: Nov, 1988), Vol, No, p. 709, at: <http://journals.cambridge.org/action/displayAbstract?fromPage=online&aid=4417264&fulltextType=RA&fileId=S0010417500015498>.
103. "Guatemala's 1952 Agrarian Reform Law: a critical reassessment", Op.Cit.
104. Handy, "National Policy, Agrarian Reform, and the Corporate Community During the Guatemalan Revolution, 1944-1954", Op.Cit. pp. 710-711.
105. Gleijeses, "The Agrarian Reform of Jacobo Arbenz", Op.Cit., pp. 468, 475.
106. Handy, "National Policy, Agrarian Reform, and the Corporate Community During the Guatemalan Revolution, 1944-1954", Op.Cit. pp. 719-720.
۱۰۷. کوک، پیشین، ص ۳۳۲، ۲۹۱.
۱۰۸. شلزینگر و کینسر، پیشین، صص ۲۲۷، ۲۱۳.
109. Handy, "The Most Precious Fruit of the Revolution", Op.Cit., p. 703.
۱۱۰. ک. بیلز، *امریکای لاتین دنیای انقلاب*، مترجم: وح. تبریزی، (تهران: انتشارات خوارزمی، ۱۳۵۰)، ص ۲۵۲.
۱۱۱. آرتور دموسلاوسکی، *تب تند امریکای لاتین*، مترجم: روشن وزیری، (تهران: انتشارات نی، ۱۳۸۵)، ص ۲۷۸.
۱۱۲. نیدرگانگ، پیشین، ص ۶۷۱.
۱۱۳. کوک، پیشین، صص ۲۹۹-۲۹۸.
۱۱۴. نیدرگانگ، پیشین، صص ۶۷۲-۶۷۱.
۱۱۵. اپنهایم، پیشین، صص ۹۲-۹۱.
۱۱۶. گابریل گارسیا مارکز، *مرگ سالوادور آلنده*، مترجم: یارتا یاران، (مشهد: انتشارات دانشگاه مشهد، ۱۳۶۳)، ص ۱۵.
۱۱۷. آلگریا، پیشین، ص ۱۳.
۱۱۸. آنتونی سمسون، *ای. تی. تی. دولت حاکم (راز کودتای شیلی)*، مترجم: مرتضی اسعدی، (تهران: انتشارات امیرکبیر، ۱۳۵۸)، ص ۲۷۰.
119. Zapata S. Francisco, "The Chilean Labor Movement under Salvador Allende: 1970-1973", *Latin American Perspectives*, (Sage Publications, Inc: Winter, 1976), Vol. 3,

No.1, p. 94, at: <http://www.jstor.org/stable/2633254>.

۱۲۰. ادوارد بورشتاین، نظری به درون شیلی آئنده، مترجم: محمود ریاضی، (تهران: انتشارات چاپخش، ۱۳۵۸)، ص ۳۰۶.

121. Francisco, Ibid, p. 94.

122. John Pike, "Allende's Leftist Regime", 1998, at: <http://www.fas.org/irp/world/chile/allende.htm>.

۱۲۳. بورشتاین، پیشین، صص ۱۲۰، ۱۱۸.

124. Peter A. Goldberg, "The Politics of the Allende Overthrow in Chile", *Political Science Quarterly*, (The Academy of Political Science: 1975), Vol. 90, No.1, p. 104, at: <http://www.jstor.org/stable/2148700>.

125. Eden Medina, "Designing Freedom, Regulating a Nation: Socialist Cybernetics in Allende's Chile", *Journal of Latin American Studies*, (Cambridge University Press: 2006), Vol. 38, No. 3, p.579, at: <http://journals.cambridge.org/action/displayAbstract?fromPage=online&aid=454691&fulltextType=RA&fileId=S0022216X06001179>.

126. Goldberg, Op.Cit., p. 104.

۱۲۷. دموسلوسکی، پیشین، ص ۱۴۷.

128. James W. Prothro & Patricio E. Chaparro, "Public Opinion and the Movement of Chilean Coemment to the Left, 1952-72", *The Journal of Politics*, (Cambridge University Press: Feb., 1974), Vol. 36, No.1, p. 34, at: <http://journals.cambridge.org/action/displayAbstract?fromPage=online&aid=6143716&fulltextType=RA&fileId=S0022381600043735>.

۱۲۹. بایکو و بولاودین، پیشین، ص ۲۸۴.

130. Joanna Crow, "Debates about Ethnicity, Class and Nation in Allende's Chile (1970-1973)", *Bulletin of Latin American Research*, (Article first published online: 6 JUN 2007), Vol. 26, No.3, pp. 326, 328, at: <http://onlinelibrary.wiley.com/doi/10.1111/j.1470-9856.2007.00227.x/full>.

131. Medina, Op.Cit. p. 579.

132. Prothro & Chaparro, Op.Cit, p. 33.

133. Richard Muir & Aim Angell, "Commentary: Salvador Allende: his role in Chilean politics", *International Journal of Epidemiology*, (Oxford University Press: 2005),

Volume34, Issue4, p. 738, at: <http://ije.oxfordjournals.org/content/34/4/737.full?sid=708b7f6c-813d-4a80-88b2-44a34dbbf4ee>.

134. Medina, Op.Cit. p. 581.

135. Margaret Power, "Class and Gender in the Anti-Allende Women's Movement: Chile 1970-1973", *Social Sciences & Social Politics*, (Oxford: 2000), Volume7, Issue3, pp. 289- 298, 301- 302, at: <http://sp.oxfordjournals.org/content/7/3/289.full.pdf>.

136. Prothro & Chaparro, Op.Cit, p. 38.

۱۳۷. پاتریشویو گاتزمن، نبرد شیلی، ۱۳۹۰، تهیه شده در گروه مستند شبکه چهار صدا و سیمای ج.ا.ا.

۱۳۸. رژی دبره، تجربه شیلی، مترجم: سهراب معینی، (تهران: انتشارات علم، ۱۳۵۸)، صص ۵۷، ۳۸، ۴۴.

139. Dan Allosso, "Chile, Copper, and History: the Influence of Copper on Intraelite Struggles in Chilean History", (Minnesota State University: October, 2007), p. 62, at: www.danallosso.com/LA/images/AllossoChileCopperandHistory.pdf.

۱۴۰. کنستانتین سرگویچ تاراسوف، بررسی یک جامعه، مترجم: غلامحسین متین، (تبریز: انتشارات ابن سینا، ۱۳۵۲)، ص ۱۱۴.

۱۴۱. منوچهر فکری ارشاد، مسائل امریکای لاتین، (انتشارات توس، ۱۳۴۹)، صص ۲۳۳-۲۳۲، ۱۲۰-۱۲۱.

۱۴۲. اپنهام، پیشین، صص ۱۰۳، ۷۷-۶۴.

143. Muir & Ange11, Op.Cit, p. 738.

۱۴۴. سمسون، پیشین، ص ۲۴۷.

۱۴۵. امینی، پیشین، صص ۱۱۸-۱۱۷، ۱۱۱، ۱۰۹.

همچنین: ازغندی، پیشین، روابط خارجی ایران، صص ۲۱۵، ۲۰۶، ۲۰۱.

۱۴۶. مارک ج. گازیوروسکی، کودتای ۲۸ مرداد ۱۳۳۲، مترجم: غلامرضا نجاتی، (تهران: شرکت سهامی انتشار، ۱۳۶۷)، ص ۱۸.

۱۴۷. مارک ج. گازیوروسکی، سیاست خارجی امریکا و شاه (ایجاد یک حکومت سلطه‌پذیر در ایران)، مترجم: جمشید زنگنه، (تهران: انتشارات مؤسسه خدمات فرهنگی رسا، ۱۳۷۱)، ص ۱۵۸.

۱۴۸. نیکی کدی، ریشه‌های انقلاب ایران، مترجم: عبدالرحیم گواهی، (تهران: انتشارات علم، ۱۳۸۶)، ص ۲۴۰.

۱۴۹. فوران، پیشین، صص ۴۴۰، ۴۳۶.

۱۵۰. سی. ام. وودهاوس، عملیات چکمه، به کوشش احمد بشیری، مترجم: فرحناز شکوری، (تهران: انتشارات نو، ۱۳۶۴)، صص ۴۴-۴۵.
۱۵۱. علیرضا امینی، تاریخ روابط خارجی ایران در دوران پهلوی، (تهران: انتشارات صدای معاصر، ۱۳۸۱)، ص ۱۵۳.
۱۵۲. گازیوروسکی، سیاست خارجی امریکا و شاه (ایجاد یک حکومت سلطه‌پذیر در ایران)، پیشین، ص ۱۸۵.
۱۵۳. گازیوروسکی، کودتای ۲۸ مرداد ۱۳۳۲، پیشین، صص ۳۶-۳۵.
۱۵۴. محمدی، پیشین، ص ۱۸۲.
۱۵۵. سپهر ذبیح، ایران در دوران مصدق (ریشه‌های انقلاب ایران)، مترجم: محمد رفیعی مهرآبادی، (تهران: انتشارات عطایی، ۱۳۷۰)، صص ۱۷۸-۱۷۷.
۱۵۶. شلزینگر و کینسر، پیشین، ص ۲۸.
157. Alan McPherson, "Guatemala, United States Assistance, and the Logic of Cold War Dependency", 1996, at: <http://userwww.sfsu.edu/~epf/1996/guat.html>.
۱۵۸. ویلیام بلوم، کشتن امید (مداخلات ارتش امریکا و سیا پس از جنگ جهانی دوم)، مترجم: منوچهر بیگدلی خمسه، (تهران: انتشارات اطلاعات، ۱۳۸۶)، صص ۱۴۶-۱۴۵.
159. Hugo Murillo Jimenez, "La Intervencion Norteamericana En Guatemala En 1954. Dos Interpretaciones Recientes", Anuario de Estudios Cen troamericanos, (Universidad de Costa Rica: 1985), Vol. 11, No. 2, p. 151, at: <http://www.jstor.org/stable/40682697>.
160. "The United Fruit Company", Op. Cit.
161. Gordon L. Bowen, "U.S. Foreign Policy Toward Radical Change: Covert Operations in Guatemala, 1950-1954", *Latin American Perspectives*, (Sage Publications, Inc: Winter, 1983), Vol. 10, No.1, pp. 92-94, at: <http://www.jstor.org/stable/2633365>.
۱۶۲. گالنانو، پیشین، ص ۱۲۸.
۱۶۳. گراسی، پیشین، ص ۳۱۴.
۱۶۴. ثمربخش، پیشین، صص ۶۷، ۵۶-۵۴، ۴۹-۴۸.
۱۶۵. سمسون، پیشین، ص ۲۷۰.
166. Church Report, "Covert Action in Chile 1963-1973", *Staff Report of the Select Committee To United States Senate*, U.S. Government Printing Office 63-372, 1975, at: <http://foia.state.gov/reports/churchreport.asp>.
۱۶۷. توماس هاووزر، گمشده، مترجم: عبدالرضا هوشنگ مهدوی، (انتشارات کسری، ۱۳۶۳)، ص

168. Kyle Steenland, " The Coup in Chile", *Latin American Perspectives*, (Sage Publications, Inc: 1974) , Vol. 1, No.2, p. 12, at: <http://www.jstor.org/stable/2633976>.

169. Power, Op.Cit, p. 294.

۱۷۰. بلوم، پیشین، صص ۴۳۰ - ۴۲۷.

